

## ارزیابی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در شهر ایرانی از دریچه متون کهن ادبیات فارسی

محسن هنرور\*  
رضا پاسیان خمیری\*\*  
محدثه طراوت\*\*\*

### چکیده

تعاملات اجتماعی، روابط و علقه‌های محله‌ای، مشارکت و بسیاری مفاهیم اجتماعی دیگر که همگی تحت عنوان سرمایه اجتماعی مطرح هستند از جمله مهم‌ترین دلمشغولی‌های طراحان، برنامه‌ریزان و مدیران شهری است که نقش به‌سزایی را در آفرینش و تقویت حس مکان، دلبستگی مکانی، رضایتمندی سکونتی، هویت مکانی و بسیاری کیفیت‌های مکانی دیگر عهده‌دار است. بر همین اساس چنانچه تقویت این عوامل اجتماعی را که در این تحقیق از آنها تحت عنوان سرمایه اجتماعی یاد می‌شود به عنوان یکی از اهداف طرح‌ها و برنامه‌های شهری در نظر گیریم، نگاه به گذشته جامعه ایرانی، نقاط قوت و ضعف بسیاری را در توانایی ارتباطات اجتماعی ایرانیان در جهت همسایگی اجتماعی، مشارکت شهروندی و زندگی جمعی نشان خواهد داد که می‌تواند روشنی‌بخش جامعه امروز در نیل به اهدافش باشد. در این بین ادبیات نیز به عنوان میراثی مکتوب از گذشتگان می‌تواند نقش مهمی در شناسایی روندها و رویه‌ها عهده‌دار باشد. در واقع همواره بخشی از ادبیات به اجتماعیات اختصاص دارد و بیانگر راز و رمزهای نهفته در مناسبات میان مردم است. از این روی پژوهش حاضر با هدف واکاوی مناسبات اجتماعی در جامعه سنتی ایران با مروری بر تعاریف سرمایه اجتماعی به ارزیابی مؤلفه‌های سه‌گانه آن در متون کهن پارسی پرداخته است. بر این اساس در یک سامانه پژوهش کیفی مبتنی بر رویکرد پژوهش تفسیری-تاریخی، با استفاده از روش تحلیل محتوا تلاش شده تا به بررسی هر یک از مؤلفه‌های سه‌گانه سرمایه اجتماعی در متون کهن ادبی ایران همچون خمسه نظامی، مثنوی معنوی و گلستان سعدی پرداخته شود. نتایج مطالعات حاضر حکایت از آن دارد که محلات به عنوان مهم‌ترین تجلی شبکه‌های اجتماعی در زندگی شهری جامعه ایرانی مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده دیگر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی (روابط و تعاملات اجتماعی، هنجارهای همیاری و اعتماد) هستند. بر این اساس برخلاف جوامع غربی که تعاملات میان شهروندان عمدتاً به صورت میان گروهی، در مقیاس شهر و در فضاهای شهری صورت می‌پذیرفته است، تعاملات ایرانیان به صورت درون گروهی و در مقیاس محلات تحقق می‌یافته است به گونه‌ای که در شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی، ارتباطات افقی بسیار قوی‌تر از ارتباطات عمودی (آوندی) بوده است. همچنین در حالی که هنجارهای همیاری و اعتماد در دو سطح خرد و میانه از سطح مطلوبی برخوردار است لیکن اعتماد در سطح کلان سست و شکننده است. علاوه بر این به نظر می‌رسد مشارکت دادن مردم در مدیریت فضاهای شهری از طریق شکل‌گیری و اولویت دادن به سازمان‌های مردم‌نهاد به مثابه حلقه واسطه عرصه عمومی و دولتی نقش به‌سزایی در تقویت سرمایه اجتماعی بین گروهی می‌تواند عهده‌دار باشد.

### واژگان کلیدی

ادبیات کهن فارسی ایران، سرمایه اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی، هنجار، اعتماد.

\* کارشناس ارشد طراحی شهری، گروه شهرسازی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. نویسنده مسئول ۰۹۱۲۷۴۷۷۱۷۹  
urb.honarvar@gmail.com  
\*\* پژوهشگر دکتری شهرسازی، گروه شهرسازی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.  
rezapasian@gmail.com  
\*\*\* کارشناسی ارشد طراحی شهری دانشگاه هنر اصفهان  
mohade3.taravat@yahoo.com

## مقدمه

انسان به طور ذاتی در تعامل، تقابل و کنش با دیگران بوده و مجموعه اینها نیازهای وی را برآورده کرده و زندگی او را میسر می‌سازد. مجموعه این کنش‌ها (تعاملات اجتماعی، روابط و علقه‌های محله‌ای، مشارکت و بسیاری مفاهیم اجتماعی دیگر) که همگی تحت عنوان سرمایه اجتماعی قابل گردهم‌آیی‌اند از جمله مهم‌ترین دلمشغولی‌های طراحان، برنامه‌ریزان و مدیران شهری است که نقش به‌سزایی را در آفرینش و تقویت حس مکان (Stedman, 2003; Jorgensen and Stedman, 2006; smith, 2011)، دلبستگی مکانی (Lewica, 2010)، رضایتمندی سکونتی (Bonaiuto, et al, 1999)، هویت مکانی (Twigger- Ross and Uzell, 1996) و بسیاری کیفیت‌های مکانی دیگر عهده‌دار است. این اهمیت تا بدان جاست که بسیاری از محققان و نظریه‌پردازان با مرتبط دانستن تجارب زیسته و معانی مکانی با عوامل اجتماعی فوق، مکان را اساساً امری اجتماعی معرفی کرده‌اند (Low and Altman, 1992; Fried, 1963; Chawla, 1992; Hidalgo and Hernandez, 2001). بر همین اساس چنانچه تقویت این عوامل اجتماعی را که در این تحقیق از آنها تحت عنوان سرمایه اجتماعی یاد می‌شود به عنوان یکی از اهداف طرح‌ها و برنامه‌های شهری در نظر بگیریم، نگاه به گذشته جامعه ایرانی می‌تواند نقاط قوت و ضعف بسیاری در توانایی ارتباطات اجتماعی ایرانیان در جهت همسایگی اجتماعی، مشارکت شهروندی و زندگی جمعی آشکار سازد که خود روشنی‌بخش جامعه امروز در نیل به اهدافش است.

از این رو پژوهش حاضر با هدف سنجش مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در جامعه کهن ایرانی به مذاقه در ادبیات کهن پارسی به مثابه آینه تمام‌نمای فرهنگ و زندگی گذشتگان پرداخته است. در واقع چنین به نظر می‌رسد که هنر و ادبیات به مثابه صادق‌ترین مظهر تاریخ و جهان‌بینی هر قوم و ملت، به اتکای مجموعه فرهنگ مادی و معنوی خود می‌تواند نقش به‌سزایی در کشف و درک چگونگی کنش‌های اجتماعی مردم و به طور خاص مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی داشته باشد. ادبیات کهن پارسی نیز حاوی گنجینه‌ای غنی از حکایات، افسانه‌ها، و تمثیل‌های ایرانی است که صرفاً به خاطر ابلاغ ایده‌های فلسفی و عرفانی پیچیده به وجود نیامده، بلکه با رویکردی تمثیلی نگاهی تازه در برابر ما به جهان و ابعاد گمشده و بکرش می‌گشاید.

در واقع همواره بخشی از ادبیات به اجتماعات اختصاص دارد که بیانگر راز و رمزهای نهفته در مناسبات میان مردم بوده و مطالعه آن می‌تواند مناسبات اجتماعی میان مردم در روزگاری دیگر را آشکار سازد. از همین روی واکاوی زمینه‌ها، عناصر و مسایل اجتماعی در ادبیات کهن که به اجتماعات در ادبیات معروف است به منظور کشف و درک مصادیق مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در

جامعه کهن ایرانی موضوع این نگارش است.

## روش تحقیق

براساس چارچوب تحقیقی لیندا گروت<sup>۱</sup> (۱۳۹۰) در حوزه معماری و با توجه به ماهیت میان‌رشته‌ای و فرضیات هستی‌شناختی پژوهش حاضر مبتنی بر واقعیت‌هایی با ساختار چندگانه بر مبنای ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی و ... که از طریق اسناد و نوشتارهای ادبی پیشینیان قابل دستیابی و کشف است، پژوهش حاضر را می‌بایست متعلق به نظام پژوهش کیفی و به بیان دیگر سامانه پژوهش تفسیری و ساختارگرا دانست که با توجه به ضرورت تفسیر شرایط اجتماعی گذشته که از طریق ارجاع به متون ادبی صورت خواهد پذیرفت از راهبرد پژوهش تفسیری-تاریخی بهره خواهد جست.

از این رو سعی شده با استفاده از روش تحلیل محتوا، ضمن کاوش در متون کهن ادبیات پارسی، اشعار و حکایاتی را به عنوان مصداقی از هریک از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، یافته و با تأویل آن مصادیق، شرایط و اوضاع جامعه ایرانی در هر یک از مؤلفه‌ها مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد. بر این اساس تحقیق حاضر متشکل از سه بخش است: بخش نخست با مروری بر تعاریف گوناگون سرمایه اجتماعی از سوی نظریه‌پردازان مختلف، به معرفی سرمایه اجتماعی، گونه‌ها، سطوح مختلف و مؤلفه‌های آن می‌پردازد و بخش دوم به جستجوی اشعار و حکایاتی در ادبیات پارسی که بیانگر اشاراتی پیرامون یکی یا چند مورد از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی است. بخش پایانی نیز در نهایت مبتنی بر یک رویکرد تفسیری و تاریخی به بیان بازنمون هر یک از اشعار و حکایات در زندگی شهری جامعه ایرانی پرداخته و به تشریح مؤلفه‌های سه‌گانه سرمایه اجتماعی در جامعه ایرانی مبادرت دارد.

## پیشینه تحقیق

سرمایه اجتماعی از جمله مفاهیم جدید، سخت و پیچیده جامعه‌شناسی است که اگرچه لفظ و معنای آن قدمتی طولانی در علوم اجتماعی دارد فراگیری روز افزون آن در رشته‌های علمی گوناگون و به کارگیری آن از سوی اندیشمندان مختلف (جیکوبز، ۱۹۶۱؛ کلمن، ۱۹۹۸؛ بوردیو، ۱۹۸۶؛ پوتنام، ۱۹۹۳؛ کاکس، ۱۹۹۵؛ وول کاک، ۲۰۰۱؛ پورتز، ۱۹۹۸؛ فوکویاما، ۱۹۹۹؛ پاکستون، ۱۹۹۹) آن را به مفهومی سهل و ممتنع بدل کرده به‌گونه‌ای که تاکنون واژگان و اصطلاحات متفاوتی همچون انرژی اجتماعی<sup>۲</sup>، روحیه محلی<sup>۳</sup>، پیوندهای اجتماعی<sup>۴</sup>، زندگی محلی<sup>۵</sup>، چسب اجتماعی<sup>۶</sup> و ... از سوی نظریه‌پردازان مختلف به منظور ارجاع به سرمایه اجتماعی مورد استفاده قرار گرفته است. مفهوم سرمایه اجتماعی نخستین بار توسط هانی فان<sup>۷</sup> و به منظور

(Bourdieu, 1993: 51). از نظر وی سرمایه اجتماعی از تعهدات و وظایف و مسئولیت‌های اجتماعی (پیوندها و روابط اجتماعی) تشکیل می‌شود که تحت شرایطی خاص قابل تبدیل شدن به سرمایه اقتصادی است و ممکن است تحت عنوان، منزلت، نسب و حسب اجتماعی نهادینه شود (Bourdieu, 1972).

لین نیز بر این عقیده است که سرمایه اجتماعی، منابع نهفته در شبکه‌ها و انجمن‌هایی است که فرد عضویت آن را دارا بوده و به فرد در راستای دستیابی به متاع فردی کمک می‌کند (Lin, 2001: 56). با این وجود پوتنام (1993, 1995, 1996, 2000) به پیروی از آلکسی توکویل<sup>۱۴</sup> با تمرکز بر روی کارکرد سرمایه اجتماعی در دستیابی به متاع جمعی بر این عقیده است که "سرمایه اجتماعی، خصایص یا مشخصات سازمان اجتماعی - یعنی مواردی چون شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد اجتماعی - را دربرمی‌گیرد که همکاری متقابل و هماهنگی در جهت منافع مشترک را تسهیل می‌کند" (Putnam, 1995: 35). به عقیده وی تجربه مشغولیت در انجمن‌های مدنی سبب خواهد شد تا مردم بهتر بتوانند تفاوت‌ها و مناقشات را حل و فصل و به طور مشترک با یکدیگر همکاری و فعالیت کنند (Ibid). در همین راستا رهن و برهم نیز بر این عقیده‌اند که سرمایه اجتماعی رشته روابط متقابل همکارانه شهروندانی است که بر حل مشکلات با عمل جمعی تأکید دارند (Rahan & Brehm, 1997: 999).

بدین ترتیب همچنان که از جدول ۱ نیز برمی‌آید، نظریه‌ها و تعاریف سرمایه اجتماعی را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد. بر این اساس درحالی که دسته نخست بر متاع فردی سرمایه اجتماعی تأکید ورزیده و سرمایه اجتماعی را محصول فرآیندهای شبکه‌ای (در عوض مشارکت همکارانه) می‌دانند، کانون توجه دسته دوم را باید بر متاع جمعی سرمایه اجتماعی متمرکز دانست که بر تجربه مشغولیت در سازمان‌های مدنی به مثابه امری حیاتی برای اثرات مثبت سرمایه اجتماعی تأکید می‌ورزد.

به عنوان مثال درحالی که نظریه‌پردازانی همچون بوردیو (۱۹۸۶) و لین (۲۰۰۱) دلمشغول چگونگی منفعت‌رسانی سرمایه اجتماعی به افراد هستند و با رویکردی منبع محور<sup>۱۵</sup> به سرمایه اجتماعی، در عوض مشارکت در انجمن‌های رسمی بر تهییج و بسیج شبکه‌های اجتماعی فردی و غیر رسمی پای فشرده و بر شیوه‌هایی تأکید می‌ورزند که از طریق آنها سرمایه اجتماعی انحصاری و منحصربه‌فرد است، نظریه‌پردازان دیگر همچون پوتنام (۲۰۰۰)، رهن و برهم بیشتر علاقمند به چگونگی تولید متاع جمعی توسط سرمایه اجتماعی هستند و بر نقش کار گروهی و همکاری با یکدیگر در کسب اعتماد، سازش و تلاش برای دستیابی به اهداف مشترک تأکید می‌ورزند (Li, Pickles and Savage, 2003).

#### گونه‌ها و سطوح مختلف سرمایه اجتماعی

از نظر نارین سرمایه اجتماعی براساس نوع روابط میان افراد به سه

بیان اهمیت مشارکت اجتماعی در ارتقای عملکرد مدارس به کار گرفته شد. بعد از هانی‌فان و از سال ۱۹۸۰ مفهوم سرمایه اجتماعی در آثار جمیز کلمن<sup>۱۶</sup>، پیر بوردیو<sup>۱۷</sup> و رابرت پوتنام<sup>۱۸</sup> به کار گرفته شد که می‌توان آنها را الهام‌بخش اکثر آثار فعلی دانست. بوردیو با بهره‌گیری از علم اقتصاد به تبیین مفهوم سرمایه اجتماعی از نگاه ارزش افزوده پرداخت. اندیشمندان دیگر بعد از وی، همچون پوتنام، آن را از علم اقتصاد خارج کرده و به حوزه جامعه‌شناسی و به تبع آن سایر علوم گسترش دادند.

در حوزه شهرسازی نیز مباحث مرتبط با سرمایه اجتماعی را باید عمدتاً هم آغاز با مباحث جین جیکوبز<sup>۱۹</sup> در کتاب مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکا دانست که در آن تلاش می‌کند با نقد دیدگاه‌های مدرن در خالی کردن فضاهای شهری از مردم به تبیین نقش و اهمیت سرمایه اجتماعی در حفظ پاکیزگی، نظم، امنیت، برخورد با جرایم شهری و سرزندگی فضاهای شهری بپردازد. بعد از جیکوبز نیز با اهمیت یافتن تعاملات اجتماعی و خلق اجتماعات محلی بار دیگر سرمایه اجتماعی به عنوان لازمه مشارکت مردم در آفرینش و مدیریت اجتماعات مورد توجه قرار گرفت (Chiras & Wann, 2003).

#### تعاریف سرمایه اجتماعی

از نظر لغوی «سرمایه اجتماعی» که معادل فارسی «Social Capital» در زبان انگلیسی است از دو واژه «سرمایه»<sup>۲۰</sup> و «اجتماعی»<sup>۲۱</sup> ساخته شده است. «سرمایه» منبعی است که افراد، اجتماع، و نهایتاً کل جامعه از آن برای تحقق اهدافشان استفاده می‌کنند. به عبارت دیگر ابزارهایی که فرد، گروه، نهاد یا جامعه‌ای برای رسیدن به هدف‌هایش از آن استفاده می‌کند سرمایه نامیده می‌شود. واژه «اجتماعی» نیز به عنوان یک صفت و آن‌چنان که در فرهنگ لغت آکسفورد به صورت ۱. وابسته به جامعه؛ ۲. وابسته به موقعیت اجتماعی؛ ۳. معاشرت با دیگران؛ ۴. زندگی گروهی به طور طبیعی و؛ ۵. دوستی تعریف شده است (Oxford, 2007) به مسایل و موضوعاتی که با اجتماع، نظام اجتماعی، جامعه و معاشرت در ارتباط است، مرتبط می‌شود.

به عقیده کلمن سرمایه اجتماعی بخشی از ساختار اجتماعی است که به افراد (به مثابه کنش‌گران) اجازه می‌دهد تا با استفاده از آن به منافع خود دست یابند. در واقع از نظر کلمن روابط اجتماعی هنگامی به وجود می‌آیند که افراد کوشش می‌کنند از منابع فردی خود بهترین استفاده را به عمل آورند و از همین روی این منابع اجتماعی - ساختاری که به واقع سرمایه‌ای برای فرد هستند، سرمایه اجتماعی در نظر گرفته می‌شود (کلمن، ۱۳۷۸: ۴۵۸ و ۴۶۲). بر همین منوال بوردیو نیز سرمایه اجتماعی را مجموع منابع بالفعل و بالقوه‌ای می‌داند که به داشتن شبکه پایداری از روابط متقابل کم و بیش نهادینه شده ناشی از آشنایی، مورد پذیرش قرار گرفتن و شناخته شده بودن، متصل و مربوط است

جدول ۱. تعاریف و مفاهیم محوری سرمایه اجتماعی از دیدگاه نظریه پردازان مختلف. مأخذ: نگارندگان.

Table 1. Definitions and central concepts of social capital from in the views of different theorists. Source: authors.

مفاهیم محوری	تعریف	سال آرایه	نظریه پرداز
نیت و قصد خیر، دوستی، علاقه‌مندی و جذب دو سویه، روابط اجتماعی، احترام متقابل، تیمارگری	"من در استفاده از مفهوم سرمایه اجتماعی به آنچه که در منابع معمولاً از سرمایه مراد می‌شود نظر ندارم و آن را صرفاً تمثیلی یا استعاری به کار می‌برم. منظورم ملک و دارایی شخصی یا پول نقد نیست، بلکه منظور من آن چیزی است که این اشیاء و مادیات ملموس را در زندگی روزمره اکثریت مردم با معنا و ارزشمند می‌سازد؛ یعنی کار خیر، دوستی، دلسوزی متقابل و رابطه اجتماعی گروهی از افراد و خانواده‌ها که پدیدآورنده واحدی اجتماعی یا اجتماعی روستایی هستند که مرکزیت منطقی آن مدرسه به شمار می‌رود. در ساختن اجتماعی محلی به سان سازمان کسب و کار و یا توسعه آن، قبل از آنکه فعالیتی سازنده انجام گیرد، انباشت سرمایه لازم است" (به نقل از پیران، ۱۳۸۵ الف: ۲۰).	۱۹۱۶	هانی فان
شبکه اجتماعی، عضویت، اجتماعی شدن در درون خانواده، تعلیم و تربیت، دوسویگی، منابع، روابط، دسترسی	"مجموع منابع بالفعل و بالقوه‌ای می‌داند که به داشتن شبکه پایداری از روابط متقابل کم و بیش نهادینه شده ناشی از آشنایی، مورد پذیرش قرار گرفتن و شناخته شده بودن، متصل و مربوط است" (به نقل از پیران، ۱۳۸۵ ب: ۲۱)	۱۹۸۶	بورديو
روابط اجتماعی، منافع فردی، ساختارهای اجتماعی	سرمایه اجتماعی بخشی از ساختار اجتماعی است که به کنش‌گر اجازه می‌دهد تا با استفاده از آن به منافع خود دست یابد: "روابط اجتماعی هنگامی به وجود می‌آیند که افراد کوشش می‌کنند از منابع فردی خود بهترین استفاده را به عمل آورند، و نباید تنها به عنوان اجزاء ساختارهای اجتماعی در نظر گرفته شوند. آنها را می‌توان منابعی برای افراد نیز در نظر گرفت. من این منابع اجتماعی - ساختاری را دارای سرمایه‌ای برای فرد، یعنی سرمایه اجتماعی در نظر می‌گیرم" (کلمن، ۱۳۷۸: ۴۵۸ و ۴۶۲).	۱۹۹۰	کلمن
روابط اجتماعی، دستیابی به حمایت، بازارگاه، دارای، نابرابری	"سرمایه اجتماعی گویای روابط متقابل اجتماعی است که به طور طبیعی بین افراد شکل می‌گیرد" مجموعه منابعی که در ذات روابط خانوادگی و سازمان اجتماعی وجود داشته و برای رشد اجتماعی افراد سودمند است (غفاری، ۱۳۸۳).	۱۹۹۲	لوری
ارزش‌ها و هنجارهای غیررسمی مشترک بین اعضای گروه، تعاون و همکاری	"به سادگی، سرمایه اجتماعی را می‌توان به عنوان مجموعه‌ای از ارزش‌ها یا هنجارهای غیر رسمی تعریف کرد که اعضای یک گروه، مشترکاً بدان‌ها باور دارند و همکاری بین آنان را مجاز می‌سازد" (Fukuyama, 1995).	۱۹۹۵	فوکویاما
میزان جرم و جنایت، فروپاشی خانواده، مصرف مواد مخدر، طرح دعوی و دادخواهی، خودکشی و ...	شکل و نمونه‌ای از یک هنجار غیر رسمی است که باعث ترویج همکاری بین دو یا چند فرد می‌شود. هنجارهای تشکیل‌دهنده سرمایه اجتماعی می‌توانند از هنجارهای روابط متقابل دو دوست گرفته تا آموزه‌های پیچیده‌ای را دربرگیرند (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۲۲).	۱۹۹۹	
شبکه‌های اجتماعی، هنجار، اعتماد	"سرمایه اجتماعی، خصایص یا مشخصات سازمان اجتماعی - یعنی مواردی چون شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد اجتماعی - را دربرمی‌گیرد که همکاری متقابل و هماهنگی در جهت منافع مشترک را تسهیل می‌کند" (Putnam, 1995: 35).	۱۹۹۵	پوتنام

رشته روابط متقابل اجتماعی، رفتار فردی، رشد اقتصادی	"سرمایه اجتماعی رشته روابط متقابل اجتماعی است که بر رفتار فرد اثر گذارده و بدان طریق بر رشد اقتصاد مؤثر واقع می‌شود" (Pennar, 1997).	۱۹۹۷	پنار
روابط متقابل اجتماعی، رفتار فردی، رشد اقتصادی	سرمایه اجتماعی رشته روابط متقابل همکارانه شهروندانی است که بر حل مشکلات با عمل جمعی تأکید دارند (Rahan & Brehm, 1997: 999)	۱۹۹۷	رهن و برهم
نهادهای روابط و کنشگری، ارزش‌ها و هنجارهای مشترک، اعتماد، توسعه اقتصادی و اجتماعی	"سرمایه اجتماعی دربرگیرنده نهادهای روابط و ارزش‌هایی است که بر کنش و واکنش بین مردم حاکم است و در توسعه اقتصادی و اجتماعی سهمی دارد. لیکن سرمایه اجتماعی جمع ساده نهادهایی نیست که جامعه را دربرگیرند، بلکه چون ملاطی به شمار می‌رود که نهادهای یاد شده را به هم پیوند می‌دهد. سرمایه اجتماعی در عین حال دربرگیرنده ارزش‌ها و هنجارهای مشترک لازم برای رفتار اجتماعی است که روابط مشخص افراد در اعتماد به هم و درک مشترک مسئولیت‌های مدنی منعکس شده است. امری که جامعه را چیزی فراتر از جمع می‌سازد" (پیران و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۶؛ غفاری، ۱۳۸۳).	۱۹۹۸	بانک جهانی
مشارکت در جامعه محلی، عاملیت اجتماعی، احساس امنیت و اعتماد، تعاملات با همسایگان، تعاملات با خانواده و دوستان، تحمل تنوع، ارزش زندگی، تعاملات شغلی	مشارکت در اجتماع محلی، کنش‌گرایی در یک موقعیت اجتماعی، احساس اعتماد و امنیت، پیوندهای همسایگی، ظرفیت پذیرش تفاوت‌ها، بها دادن به زندگی، پیوندهای کاری، پیوندهای دولتی و خانوادگی (شریفیان‌ثانی، ۱۳۸۰)	۲۰۰۰	اونیکس و بولن
پیوندهای اجتماعی، اعتماد، ارزش‌ها	پیوندهای فعال ذخیره شده همچون اعتماد، فهم متقابل، ارزش‌ها و رفتارهای مشترک در میان اعضای جامعه است که عمل همکاری را امکان‌پذیر می‌سازد (Cohen & Prusak, 2001).	۲۰۰۱	کوهن و پروساک
پیوندهای همسایگی، شبکه‌های اجتماعی، مشارکت مدنی	سرمایه اجتماعی می‌تواند به سه فرآیند متفاوت که هر کدام پویایی و هواداران خاص خود را دارد تقسیم شود از نظر ایشان سرمایه اجتماعی در قالب سه گونه دلبستگی محله‌ای، شبکه اجتماعی و مشارکت مدنی قابل مفهوم‌سازی است. به‌گونه‌ای که دو دسته نخست در ارتباط با شبکه‌های اجتماعی غیر رسمی و دسته سوم در ارتباط با شبکه‌های اجتماعی رسمی قرار می‌گیرند (Li, Pickles and Savage, 2003 and 2005).	۲۰۰۳	لی، پیکلز و ساویچ
ارزش‌ها و هنجارها، پیوند و روابط اجتماعی، شبکه اجتماعی	"سرمایه اجتماعی به ارزش‌ها و هنجارهایی مربوط است که از پیوندها و روابط متقابل گروهی و اجتماعی تفاهم شده مردم نشأت گرفته و به نوبه خود پدیدآورنده آن پیوندها و روابط محسوب می‌شود" (Edwards, 2004: 81)	۲۰۰۴	روزالیند ادواردز
مصاحبت و همراهی در واحد اجتماعی، انباشت سرمایه، رفع نیاز	"آن دسته از مفاهیم ملموسی که در زندگی روزمره افراد اهمیت بسیاری دارد یعنی مصاحبت، همراهی، مراوده اجتماعی بین افراد و خانواده‌ها که یک واحد اجتماعی را شکل می‌دهند. اگر یک فرد با همسایه خود ارتباط برقرار کند و آن دو با همسایگان دیگر ارتباط برقرار سازند، در این صورت یک انباشت از سرمایه اجتماعی به وجود آمده که خود می‌تواند نیازهای اجتماعی فرد را برآورده سازد و از نشر اجتماعی این قابلیت را در خود دارد که برای پیشبرد بهتر مقاصد زندگی در کل اجتماع عمل کند" (پیران و همکاران، ۱۳۸۵)	۱۳۸۵	پیران

یکدیگر مرتبط می‌کنند، پیوندهای ذهنی، به پیوندهای عاطفی افراد با یکدیگر بر پایه ویژگی‌های همچون دوجانبگی، اعتماد، و احساس مثبت اشاره می‌کنند (فیروزآبادی و ایمانی، ۱۳۸۵: ۲۰۰ و ۲۰۱). برگر-اشمیت<sup>۲۰</sup> نیز سرمایه اجتماعی را مشتمل بر عناصری همچون روابط اجتماعی، فعالیت‌ها و مشارکت‌های سیاسی و اجتماعی، کیفیت روابط اجتماعی، کیفیت نهادهای اجتماعی دانسته و فیکول جی اعتماد، بده‌بستان، شبکه‌های اجتماعی، جامعه‌پذیری و حس تعلق را از جمله ابعاد سرمایه اجتماعی معرفی کرده و سرچشمه اصلی آنها را محیط و توانایی‌های آن معرفی می‌کند (شجاعی باغینی، ۱۳۸۷: ۶۵). از نظر هیرشمن (۲۰۰۰) نیز انرژی اجتماعی یا همان سرمایه اجتماعی از سه جزء ۱. دوستی‌ها؛ ۲. ایده‌آل‌ها و ارزش‌های مشترک و ۳. آگاهی‌های مشترک تشکیل شده است (به نقل از موسوی، ۱۳۸۵: ۴۳). لی، پیکلز و ساویچ نیز از سه متغیر پیوندهای همسایگی، شبکه‌های اجتماعی، مشارکت مدنی به عنوان مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی یاد کرده‌اند (Li, Pickles and Savage, 2003). علاوه بر این می‌توان به تقسیم‌بندی ائتلاف بین‌المللی هیبتات و گروه کندی دانشگاه هاروارد به عنوان دیگر تقسیم‌بندی‌های معتبر اشاره کرد. بر این اساس در حالی که از نظر ائتلاف بین‌المللی هیبتات ابعاد سرمایه اجتماعی را می‌بایست مشتمل بر ۶ عامل اعتماد، کنش متقابل، تعلقات مشترک به سوی وابستگی‌ها، هنجارهای مشترک رفتاری، کانال‌های ارتباطی مؤثر و شبکه‌های رسمی و غیررسمی دانست (هیبتات، ۱۹۸۶) گروه کندی دانشگاه هاروارد بر این عقیده است که سرمایه اجتماعی متشکل از ۱۱ عامل اعتماد، مشارکت سیاسی، مشارکت و رهبری مدنی، پیوندهای اجتماعی غیر رسمی، بخشش و روحیه داوطلبی، مشارکت مذهبی، عدالت در مشارکت مدنی و تنوع معاشرت‌ها و دوستی‌های است (الوانی و شیروانی، ۱۳۸۵: ۵۷-۵۹؛ الوانی و سیدنقوی، ۱۳۸۲: ۱۴-۱۱). آن‌چنان که از فوق نیز برمی‌آید چنین به نظر می‌رسد که علی‌رغم تفاوت در مصادیق هر یک از تعاریف و تقسیم‌بندی‌ها، با این وجود مقوله‌های کلی یکسانی را می‌توان در تمامی تعاریف و تقسیم‌بندی‌ها شاهد بود و لذا تنوع تعاریف و تقسیم‌بندی‌ها بیشتر نشأت گرفته از سیر زمانی، نوع سرمایه اجتماعی و سطح آن است. با توجه به این موارد به نظر می‌رسد که تقسیم‌بندی سه‌گانه مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر پایه تعریف پوتنام در سه شاخه شبکه، هنجارهای همیاری و اعتماد به میزان مؤثری در ارزیابی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در ادبیات کهن فارسی کارگشا خواهد بود. پوتنام با معرفی سرمایه اجتماعی به عنوان مجموعه‌ای از پیوستگی‌های افقی میان مردم بر این عقیده است که همبستگی اجتماعی در اجتماعات محلی در ارتباط با شبکه‌های اجتماعی، هنجارها و اعتماد میان افراد و امری ضروری برای بهبود کیفیت زندگی و توسعه محله‌ای است. لذا در ادامه ضمن تبیین هر یک از مؤلفه‌ها به بررسی هر یک از ایشان در متون مورد نظر از دیدگاه شهری پرداخته می‌شود.

دسته سرمایه اجتماعی درون‌گروهی<sup>۱۶</sup>، بین‌گروهی<sup>۱۷</sup> و ارتباطی<sup>۱۸</sup> قابل تقسیم است. بر این اساس درحالی که سرمایه اجتماعی درون‌گروهی، با پیوستگی میان اعضای یک گروه شناخته می‌شود، سرمایه اجتماعی بین‌گروهی با پیوندهای میان گروه‌های مختلف همچون افراد محلات مختلف، گروه‌های دوستی متفاوت و... شناخته می‌شود. سرمایه اجتماعی ارتباطی نیز از طریق پیوند میان افراد با منزلت‌های اجتماعی یا قدرت متفاوت و از طبقات اقتصادی اجتماعی مختلف معرفی می‌شود (Naryan, 1999: 56). بر این اساس، سطوح مختلف سرمایه اجتماعی را می‌توان در سه سطح خرد، میانی و کلان تبیین کرد به گونه‌ای که سه نوع مختلف سرمایه اجتماعی درون‌گروهی، بین‌گروهی و ارتباطی را به ترتیب متناظر با سه سطح خرد، میانی و کلان سرمایه اجتماعی دانست. بر این اساس درحالی که سطح خرد به روابط میان افراد در درون گروه‌ها پرداخته و همچنان که پوتنام (Putnam, 1993: 56; Putnam, 1995: 123) نیز سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از پیوستگی‌های افقی میان مردم می‌داند، بر روابط و هنجارهای میان اعضای خانواده، دوستان، همکاران، محلات و... تأکید ورزیده و برابر با سازمان‌های محلی همچون انجمن‌ها، باشگاه‌ها و گروه‌های اجتماعی است، سطح میانی مشتمل بر پیوستگی‌های عمودی و افقی فرافردی میان گروه‌ها بوده و سطح کلان بر روابط عمودی میان طبقات مختلف اجتماعی، اقتصادی و قدرت و نیز روابط میان مردم و ساختارها و نهادهای رسمی و حکومتی تمرکز می‌یابد.

### مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی

همچنان که نظریه‌پردازان مختلف تعاریف متفاوتی از سرمایه اجتماعی ارائه کرده‌اند، مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی نیز از دیدگاه نظریه‌پردازان مختلف به شیوه‌های متنوعی بیان شده است. به عنوان مثال در حالی که اندیشمندانی همچون پنار (۱۹۹۷)، رهن و برهم (۱۹۹۷)، لوری (۱۹۹۲)، فیلد (۱۳۸۵) و آدلر (۲۰۰۰) با تأکید بر نقش روابط و کنش متقابل، موضوع سرمایه اجتماعی را اساساً مسئله روابط و تعاملات اجتماعی بیان می‌دارند اندیشمندان دیگر همچون ادواردز (۲۰۰۴) و فوکویاما (۱۹۹۵) نقطه کانونی توجه خویش را در تعریف سرمایه اجتماعی بر ارزش‌ها و هنجارها متمرکز کرده‌اند. به عقیده ناهاپیل و قوشال (Nahapil & Ghoshal, 1998) سرمایه اجتماعی متشکل از سه بعد ساختاری، شناختی و ارتباطی است که به ترتیب مشتمل بر پیوندهای موجود در شبکه، شکل و ترکیب شبکه، تناسب سازمانی، زبان و علائم و روایت‌های مشترک، اعتماد، هنجارها، تعهدات و روابط متقابل و تعیین هویت مشترک هستند (به نقل از الوانی و سیدنقوی، ۱۳۸۲). پاکستون<sup>۱۹</sup> (۱۹۹۹) از نگاهی دیگر با تقسیم‌بندی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی به دو دسته پیوندهای عینی بر این عقیده است در حالی که پیوندهای عینی، در یک ساختار شبکه‌ای افراد را به

مبنی بر این که سود اعطا شده، باید در آینده بازپرداخت شود (کاوسی و کیاسی، ۱۳۸۸). لذا هنجارهای همیاری را می‌توان بیشتر حاکم بر کیفیت بین روابط دانست که توسط احساس مسئولیت فردی در برابر شخص دیگر (متوازن) و احساس مسئولیت فرد در برابر اجتماع یا ایثارگری اجتماعی (تعمیم‌یافته) تبیین می‌شود.

ج. اعتماد: در فرهنگ عمید اعتماد مترادف با تکیه کردن، واگذاشتن کار به کس، اطمینان، وثوق، باور و اعتقاد به کار گرفته می‌شود (عمید، ۱۳۶۹: ۲۰۱) که همگی بر اشتراک، همدلی، تحمل و برادری تأکید دارند. بر همین اساس گیدنز به منظور تعریف اعتماد از واژه مقابل آن بی‌اعتمادی بهره می‌گیرد که اموری نظیر دروغ، تزویر، بی‌صدقتی و بی‌انصافی را شامل می‌شود (زین‌آبادی، ۱۳۸۷: ۳۸). از نظر وی این امور که پایه‌های بی‌اعتمادی را در جوامع بنیان می‌گذارند یا در نتیجه بی‌اعتمادی افراد جامعه به وجود می‌آیند، پتانسیل‌های پیشرفت و رشد را از جامعه گرفته و با حذف سلامت اخلاقی از جامعه، آن را دچار اضمحلال می‌سازد. اعتماد، هم به عنوان نتیجه و پیامد و هم به عنوان یکی از اجزای سرمایه اجتماعی به کار رفته است. اعتماد مفهوم کانونی سرمایه اجتماعی است که در عرصه‌ها و موقعیت‌های مختلف، نقش تسهیل‌گر را ایفا می‌کند. اعتماد از عناصر ضروری برای تقویت همکاری بوده و حاصل پیش‌بینی‌پذیری رفتار دیگران است که در یک جامعه کوچک از طریق آشنایی نزدیک با دیگران حاصل می‌شود؛ اما در جوامع بزرگتر اعتماد غیر شخصی‌تر یا شکل غیر مستقیمی از اعتماد ضرورت می‌یابد (حیدری، ۱۳۸۴: ۲۲).

بر این اساس با نگاهی تحلیلی می‌توان اعتماد را در سه سطح خرد، میانه و کلان مورد بررسی قرار داد. در حالی که در سطح خرد، به اعتماد در روابط شخصی و خصوصی در درون گروه‌ها پرداخته می‌شود، در سطح میانی اعتماد، تعمیم‌یافته به عموم مردم و گروه‌های واسطه و سازمان‌های کوچک است و در سطح کلان نیز اعتماد به دولت، نهادها و سازمان‌های دولتی مدنظر قرار می‌گیرد (زین‌آبادی، ۱۳۸۷: ۳۶).

### بررسی تطبیقی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در متون ادبی الف. شبکه‌ها

منطبق بر آنچه که پیش‌تر در تبیین انواع شبکه‌ها بیان شد، بازشناسی جامعه ایرانی در دو شبکه افقی (پیوندهای درون‌گروهی) و عمودی (پیوندهای میان‌گروهی) قابل بررسی است به گونه‌ای که می‌توان سنت شهرنشینی ایران را منبعث از این دو شبکه دانست. در حالی که در نظام کاستی جامعه ایرانی و خصوصاً پیش از اسلام، شاهد طبقات و کاست‌های گوناگونی هستیم که اگرچه افراد در درون هر یک از کاست‌ها به سبب روابط قومی، خونی، نسبی و سببی دارای رابطه برادری و برابری هستند لیکن نظام کاست‌ها با تحمیل ارزش‌ها و هنجارهای خود از شکل‌گیری ارتباط میان کاست‌ها جلوگیری به عمل می‌آورد. پس از اسلام این کاست‌ها با

الف. شبکه‌ها: به عقیده پوتنام وجود روابط، کنش‌ها و شبکه‌های اجتماعی را باید از جمله اساسی‌ترین و مهم‌ترین مفاهیم مندرج در تعریف سرمایه اجتماعی به حساب آورد (پیران، ۱۳۸۵ ب). به عقیده وی ارتباط میان اعضای یک جامعه است که آنها را قادر می‌سازد تا با همکاری یا یکدیگر به توانایی کسب چیزهایی برسند که به تنهایی قادر به کسب آن نیستند. در واقع از نظر وی ارتباط، پیش‌نیاز تعامل و کنش‌گری است؛ در ارتباط است که هنجارها و ارزش‌ها فرصت بروز یافته، شکل گرفته و معنا می‌یابند. لذا تعامل و روابط اجتماعی را می‌بایست ویژگی ذاتی سرمایه اجتماعی، و سرمایه اجتماعی را زاده کنش و واکنش‌های افراد دانست (پیران، ۱۳۸۵ الف؛ موسوی، ۱۳۸۵)؛ کنش‌هایی که در بستر چارچوب‌ها و شبکه‌های اجتماعی مختلف شکل می‌گیرند و خود به آفرینش آنها کمک می‌کنند.

بر همین اساس پوتنام روابط اجتماعی افراد و تعاملات آنان با یکدیگر را بنیادی‌ترین جزء سرمایه اجتماعی معرفی می‌کند و شبکه‌ها را به عنوان خاستگاه دو مؤلفه دیگر سرمایه اجتماعی یعنی هنجارهای اعتماد و همیاری مطرح می‌سازد. پوتنام با تفکیک شبکه‌های افقی یا "مساوات طلب" از شبکه‌های عمومی یا "انحصار طلب" نوع دوم را فاقد توان برقراری اعتماد و هنجارهای همیاری معرفی می‌کند. از نظر او شبکه‌های افقی در قالب مشارکت‌های مدنی (انجمن‌ها، باشگاه‌ها و احزاب ...) به دلیل ارایه چارچوب فرهنگی برای همکاری، مولد هنجارهای اعتماد همیاری هستند (Putnam, 2000). لذا می‌توان دو نوع شبکه را شناسایی کرد که به شکل‌گیری دو نوع خاص سرمایه اجتماعی افقی یا پیوندی (مبستی بر ارتباطات درون طبقه‌ای) و عمودی یا آوندی (با یک شبکه و رابطه طولی میان بالادست و پایین‌دست) منجر خواهند شد. ب. هنجارهای همیاری: هنجار در اصطلاح دانش جامعه‌شناسی به یک الگوی رفتاری گفته می‌شود که روابط و کنش‌های اجتماعی را تنظیم می‌کند و اکثریت جامعه خود را به آن پایبند می‌دانند. درواقع وجود هنجارهای اجتماعی یک الزام و التزامی میان افراد ایجاد می‌کند که منجر به تسهیل عملکرد می‌شود (کاوسی و کیاسی، ۱۳۸۸: ۵۵). پوتنام هنجارهای همیاری را مولدترین جزء سرمایه اجتماعی دانسته و حتی آن را ملاک سرمایه اجتماعی می‌نامد. پوتنام خود این‌گونه به تعریف هنجارهای همیاری می‌پردازد: "من اکنون این کار را برای شما انجام می‌دهم بی‌آنکه چیزی فوراً در مقابل انتظار داشته باشم، و شاید حتی بی‌آنکه شما را بشناسم، با این اطمینان که، در طول راه، شما یا دیگری لطف مرا پاسخ خواهید داد" (Putnam, 2000: 45). وی در ادامه و در تعریف هنجارهای همیاری به دو نوع متوازن و تعمیم‌یافته اشاره می‌کند. از نظر وی در حالی که ما در نوع متوازن با مبادله هم‌زمان چیزهایی با ارزش برابر، مانند موقعی که همکاران روزهای تعطیلشان را با هم عوض می‌کنند، مواجه هستیم، در نوع تعمیم‌یافته رابطه تبادلی مداومی در جریان است که در همه حال یک‌طرفه و غیرمتوازن بوده اما انتظارات متقابلی ایجاد می‌کند،

می‌شود، آیا سیاه‌تر و تاریک‌تر از تو در دنیا هست؟ اما کلاغ سیاه هم از همنشینی با طوطی زیبا به تنگ آمده بود و از بخت بد خود می‌نالید و می‌گفت: خدایا نه زیبایی به من دادی و نه سرنوشتم را زیبا رقم زدی. سزای من این نیست که هم در قفس باشم و هم آزار همنشین ببینم. چه کردم که عاقبتم هم‌صحبتی با چنین ابله‌ی است. من همین که بر دیوار باغی با کلاغی همراه شوم آسوده خاطرم. دانا از همنشینی با نادان رنج می‌کشد و نادان از دیدن دانا هراسان می‌شود.

از جمله دیگر اجتماعیات در ادبیات که به تبیین موضوع فوق می‌پردازد نیز می‌توان به داستان موش و شتر از مثنوی معنوی (مولانا، ۱۳۸۰: ۲۵۵ و ۲۵۶) اشاره کرد. مولانا در این داستان تضاد بین گروهی را نشان می‌دهد و بر روابط درون‌گروهی تأکید می‌ورزد<sup>۲۳</sup>. البته در آخر داستان که شتر با مهربانی موش را از آب عبور می‌دهد نشان از شکل‌گیری رابطه برون‌گروهی است که برای شکل‌گیری چنین ارتباطی شرایطی لازم است.

جملگی این اشعار و حکایات، حکایت از آن دارند که فارغ از نوع نژاد، مذهب و یا صنف هر طبقه و یا برتری هر یک از ایشان بر دیگری، هر فرد تنها در پیوند با اعضای گروه و اجتماع خویش است و رغبت و تمایلی به ارتباط با سایر گروه‌ها مشاهده نمی‌شود آن‌چنان‌که حتی کلاغ هم در نتیجه مصاحبت با طوطی لب به شکوه گشوده و از مصاحب خویش دوری می‌جوید. این عدم رغبت به خصوص آن هنگام که گروه‌ها در عرض یکدیگر قرار می‌گیرند به طرز مشهودتری قابل پیگیری است به‌گونه‌ای که کمتر مراددهای میان

ملاحظاتی چند به گروه‌های نژادی، مذهبی تغییر یافته که هر یک در محله‌ای از شهر اسکان می‌یابند. در این نظام شبکه‌ای، تعلق داشتن به هر طبقه، به فرد دید طبقه‌ای و هنجارهای طبقه‌ای می‌دهد که ممکن است با هنجارهای طبقه دیگر در تضاد باشد. این تضادها همان‌گونه که ذکر آن رفت در حالی که ارتباطات درون‌گروهی بیشتری را میسر می‌سازد بر تمایز و کاهش ارتباطات بین‌گروهی تأکید می‌ورزند<sup>۲۴</sup>. نظامی این ارتباطات را این‌گونه در بازگشتن خسرو از قصر شیرین به نظم بیان می‌دارد (نظامی، ۱۳۶۰: ۱۸۸):

چه باید ملک جان دادن به شوخی که بنشیند کلاغش بر کلوخی  
مرا چون من کسی باید به ناموس که باشد همسر طاووس  
سعدی نیز پیوندهای درون‌گروهی ایرانیان و شکاف میان طبقات و کاست‌های مختلف در جامعه ایرانی را این‌گونه در قالب حکایت «سیاهی دنیا» بیان می‌دارد:

طوطی را با زاغی در قفس کردند طوطی از قبح مشاهده او مجاهده می‌برد و می‌گفت این چه طلعت مکروه است و هیات ممقوت و منظر ملعون و شمایل ناموزون یا غراب البین یا لیت بینی و بینک بعد المشرقین... عجیبتر آنکه غراب هم از مجاورت طوطی به جان آمده بود و ملول شده و لا حول کنان از گردش گیتی همی نالید» (سعدی، ۱۳۷۵: ۱۳۱). طوطی و کلاغی را با هم در قفسی کردند. «طوطی که کلاغ را دید گفت: سیاهی پره‌های تو مانند تاریکی شب است، تو شوم و بدقدمی. فاصله بین من و تو از شرق تا غرب است. هیچ‌گاه فکر نمی‌کردم با کلاغی هم‌نشین شوم. هر صبحگاه کسی که روزش را با دیدن تو آغاز کند، آن روز برایش تیره و تار

در ربود و شد روان او از مری  
موش غره شد که هستم پهلوان  
گفت بنمایم ترا تو باش خوش  
کاندرو گشتی زبون پیل سترگ  
گفت اشتر ای رفیق کوه و دشت  
پا بنه مردانه اندر جو در آ  
در میان ره مباحش و تن مزن  
من همی ترسم ز غرقاب ای رفیق  
پا درو بنهاد آن اشتر شتاب  
از چه حیران گشتی و رفتی ز هوش  
که ز زانو تا به زانو فرقه است  
مر مرا صد گز گذشت از فرق سر  
تا نسوزد جسم و جانت زین شرر  
با شتر مر موش را نبود سخن  
بگذران زین آب مهلک مر مرا  
بر جه و بار کودبان من نشین  
بگذرانم صد هزاران چون ترا  
تا رسی از چاه روزی سوی جاه

موشکی در کف مهار اشتیری  
اشتر از چستی که با او شد روان  
بر شتر زد پرتو اندیشه‌اش  
تا بیامد بر لب جوی بزرگ  
موش آنجا ایستاد و خشک گشت  
این توقف چیست حیرانی چرا  
تو قلاوژی و پیش‌آهنگ من  
گفت این آب شگرفست و عمیق  
گفت اشتر تا ببینم حد آب  
گفت تا زانوست آب ای کور موش  
گفت مور تست و ما را ازدهاست  
گر ترا تا زانو است ای پر هنر  
گفت گستاخی مکن بار دگر  
تو مری با مثل خود موشان بکن  
گفت توبه کردم از بهر خدا  
رحم آمد مر شتر را گفت هین  
این گذشتن شد مسلم مر مرا  
چون پیمبر نیستی پس رو به راه



خود مران چون مرد کشتیبان نه‌ای  
دست‌خوش می‌باش تا گردی خمیر  
چون زبان حق نگشتی گوش باش  
با شهنشاهان تو مسکین‌وار گو

تو رعیت باش چون سلطان نه‌ای  
چون نه‌ای کامل دکان تنها مگیر  
انصتوا را گوش کن خاموش باش  
ور بگویی شکل استفسار گو

راسته، کوی‌ها و هشتی‌ها این تمایز و تفکیک گروهی را تقویت کرده و مقیاس تعاملات اجتماعی میان ساکنین را برخلاف جوامع غربی که بیشتر در مقیاس فضاهای شهری صورت می‌پذیرفت به مقیاس محلی محدود می‌کرد. بر این اساس می‌توان گفت که اگرچه گروه‌های قومی، نژادی، مذهبی و صنفی در قالب محلات، گتوها و صنف‌ها شبکه‌های افقی قوی را فراهم می‌آوردند اما ارتباط میان طبقات و کاست‌ها با یکدیگر و حکومت، شبکه‌های آوندی را خلق می‌کرد که از شکل‌گیری ارتباط میان افراد در طبقات مختلف ممانعت به عمل می‌آورد.

#### ب. هنجارهای همیاری

از آنجا که انسان موجودی است اجتماعی برای تأمین نیازهای مادی و معنوی خود به تعامل، همیاری و همکاری با دیگران نیازمند است. این تعامل و همکاری و قرارگیری در اجتماع سبب ایجاد حس مسئولیت و تکلیف در انسان می‌شود، احساس مسئولیتی که با رعایت حقوق دیگران معنا پیدا می‌کند و وجدان انسان را نسبت به هموعان خود بیدار نگه می‌دارد. انسانی که نمی‌تواند نسبت به رنج و سختی دیگران بی‌تفاوت باشد (جعفری، ۱۳۸۵: ۱۰۶) آن چنان که سعدی

کس سوی لقمان فرستادی ز پی  
قاصدا تا خواجه پس خوردش خورد  
هر طعامی کو نخوردی ریختی  
این بود پیوندی بی‌انتها  
گفت رو فرزند لقمان را بخوان  
همچو شکر خوردش و چون انگبین  
تا رسید آن گرچه‌ها تا هفدهم  
تا چه شیرین خربزه‌ست این بنگرم  
طبع‌ها شد مشتھی و لقمه‌جو  
هم‌زبان کرد آبله هم حلق سوخت  
بعد از آن گفتش که ای جان و جهان  
لطف چون انگاشتی این قهر را  
یا مگر پیش تو این جانت عدوست  
که مرا عذریست بس کن ساعتی  
خورده‌ام چندان که از شرمم دو تو  
من نوشم ای تو صاحب معرفت  
رسته‌اند و غرق دانه و دام تو  
خاک صد ره بر سر اجزام باد  
اندرین بطیخ تلخی کی گذاشت

اقشار جامعه و ساخت حکومتی در متون ادبی و تاریخی گزارش شده است. این تفاوت بین هنجارهای طبقه‌ای حتی شامل اندیشمندان نیز بوده است. محسنیان راد در این باره با بررسی آثار باقیمانده از اندیشمندان نظم نویس قرون گذشته می‌نویسد:

"[اندیشمندان] نسبت به شبکه اجتماعی متشکل از آنچه آنان عوام می‌نامیدند، بی‌اعتماد بودند. آنان شگفت‌زده و هراسان از سرعت جابجایی رازها در شبکه بودند و عوام را خطرناک می‌دانستند و معتقد بودند که باید از آنان دوری کرد. به طوری که حتی شهرتی که در شبکه به دست می‌آوردند، برایشان دلپذیر نبود. اندیشمندان، عوام را لایق هم‌صحبتی نمی‌دانستند و برای زن عوام جایگاهی پست‌تر از مرد عوام قایل بودند و حتی برای فرزندانشان آرزو می‌کردند که در پوستین خلق نیفتند" (محسنیان راد، ۱۳۸۶: ۱۶۵-۱۶۴).

مصادق عینی این اشعار و حکایات را نیز می‌توان به وضوح بر شکل‌گیری و تقسیم‌بندی محلات شهری براساس قوم، نژاد، مذهب و صنف دانست که هر محله را به سان یگانی اجتماعی - کالبدی از دیگر محلات جدا می‌کرد. روابط و تعاملات اجتماعی تنها درون محلاتی صورت می‌پذیرفت که خود گروه‌های اجتماعی تبلور یافته کالبدی بودند. سلسله مراتب دسترسی و راه‌ها نیز مشتمل بر گذرها،

هر طعامی کوریدندی سوی  
تا که لقمان دست سوی آن برد  
سؤر او خوردی و شور انگیختی  
ور بخوردی بی‌دل و بی‌اشتها  
خربزه آورده بودند ارمغان  
چون برید و داد او را یک برین  
از خوشی که خورد داد او را دوم  
ماند گرچی گفت این را من خورم  
او چنین خوش می‌خورد کز ذوق او  
چون بخورد از تلخیش آتش فروخت  
ساعتی بی‌خود شد از تلخی آن  
نوش چون کردی تو چندین زهر را  
این چه صبرست این صبوری از چه روست  
چون نیآوردی به حیلت حجتی  
گفت من از دست نعمت‌بخش تو  
شرمم آمد که یکی تلخ از گفت  
چون همه اجزام از انعام تو  
گر ز یک تلخی کنم فریاد و داد  
لذت دست شکربخشت بداشت

ناسپاسی و فراموشی تو

یاد نورد آن عسل‌نوشی تو

همچنین بهترین نموده‌های ایثار و فداکاری اجتماعی (همیاری اجتماعی) را در متون حماسی به خصوص شاهنامه فردوسی می‌توان دید. آنجا که پهلوانان با تحمل سختی‌ها و مرارت‌ها و به خطر انداختن جانشان، برای آزادی و رهایی هم‌نوعان و خویشان و یاران خویش تلاش می‌کنند. داستان‌های شاهنامه از هفت‌خوان رستم گرفته تا نبرد فریدون و کاوه آهنگر با ضحاک و آرش کمانگیر همه حاکی از ایثارگری پهلوانان در راه جامعه است. گزاره نیست که ابیات زیر را حد‌اعلای این ایثار و فداکاری در راه اجتماع و وطن برشماریم (فردوسی، ۱۳۹۰: ۱۱۹):

چنین گفت موبد که مردن به نام

به از زنده دشمن بدو شادکام

اگر من شوم کشته بر دست اوی

نشود سیه‌روز چون آب جوی

چو گودرز و هفتاد پور گزین

همه پهلوانان با آفرین

نباشد به ایران تن من مباد

چنین دارم از موبد پاک یاد

که چون برکشد از چمن بیخ سرو

سزد گر گیا را نبوید تذرو

**ج. اعتماد**

**اعتماد در سطح خرد**

یکی از بهترین بیان‌های ادبی که نشانگر اعتماد در سطح خرد در سنت شهرسازی ایرانیان است خمسه نظامی است. بخش سی و ششم اقبال‌نامه خمسه که به رسیدن اسکندر به سرحدات شمالی می‌پردازد در واقع روایتی از آرمانشهر گنجوی است؛ شهر زیبایی

گله در گله کس نگهدار نی  
کزان میوه‌ای برگشاید ز شاخ  
ز خشکی تنش چون کمان گشت کوز  
تبش کرد و زان کار بندی گرفت  
ز خشک و ترش دست کوتاه گشت  
ندیدش دری ز آهن و چوب و سنگ  
همه غایت اندیش و عبرت‌پذیر  
در و قفل از جمله برخورداره  
چرایید و خود را ندارید پاس  
که بر در ندارد کسی قفل و بند  
رمه نیز چوپان ندارد ز پس  
گله کرده بر کوه و صحرا یله  
حفاظ شما را تولا به کیست؟

آن را شرط سلبی تعریف آدمی بر می‌شمارد (سعدی، ۱۳۷۵: ۲۸):

تو کز محنت دیگران بی‌غمی

نشاید که نامت نهند آدمی

و یا حافظ با تأکید بر حفظ حقوق دیگران می‌گوید (حافظ، ۱۳۸۸: ۷۵):

مباش در پی آزار و هر چه خواهی کن

که در شریعت ما غیر از این گناهی نیست

و یا (حافظ، ۱۳۸۸: ۱۲۱):

درخت دوستی بنشان که کام دل به بار آرد

نهال دشمنی برکن که رنج بی‌شمار آرد

اما بی‌شک یکی از بهترین نمونه‌های رابطه انسان با انسان را می‌بایست در مثنوی مولانا شاهد بود (مولانا، ۱۳۸۰: ۱۹۴-۱۹۲). آنجا که مولانا می‌کوشد با تبیین رابطه انسان با انسان، رابطه انسان با خدا، رابطه انسان با هستی، رابطه انسان با خویش به بیان شهر آرمانی خویش بپردازد (بهزادفر و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۳-۱). از این روی انسان آرمانی او انسان کاملی است، و حکایاتی که مثال می‌زند راه تعالی و تکامل انسان است. حکایت زیر که از دفتر دوم انتخاب شده است، حق‌شناسی و سپاس یک انسان نسبت به انسان دیگر را نشان می‌دهد.

نگاه عرفانی این حکایت در مقام طعنه و اعتراض به آن دسته از انسان‌هایی است که در نعمت‌های خداوند غرق بوده‌اند و حتی از همان زمانی که نطفه‌ای بیش نبودند، احسان و لطف و توجه پروردگار در حق آنان جاری بوده و با گذشت روزگار، نعمت‌های خداوند بر ایشان فزونی یافته است ولی به محض برخورد با اندک ناگواری و اندوه که به نسبت خوشی‌ها و لذت‌ها بسیار ناچیز است، لب به انکار نعمت‌های الهی می‌کشایند و به اعتراض روی می‌آورند و همه رحمت‌ها و نعمت‌های خداوندی را از یاد می‌برند. لذا مولانا با نهدی مردم از ناسپاسی نسبت به یکدیگر، ریشه چنین صفت ناپسندی را فراموش‌کاری آدمی بیان می‌دارد (مولانا، ۱۳۸۰: ۲۸۳).

همه راه بر باغ و دیوار نی  
ز لشگر یکی دست برزد فراخ  
نچیده یکی میوه تر هنوز  
سواری دیگر گوسپندی گرفت  
سکندر چو زین عبرت آگاه گشت  
چو آمد به دروازه شهر تنگ  
در آن شهر شد با تنی چند پیر  
دکان‌ها بسی یافت آراسته  
پرسیدشان کاین چنین بی‌هراس  
بدین ایمنی چون زبید از گزند  
همان باغبان نیست بر باغ کس  
شبانان نه و صد هزاران گله  
چگونه است و این ناحفاظی ز چیست

دست یازی به باغ و گله‌ها بپرهیزند، سپس از میان سبزه‌زارها می‌تازد تا به شهر برسد، شهر را نیز بی‌در و دربان و دکان‌ها را بی‌فقل و بند می‌بیند. مردم شهر به پیشباز آمده و رسم مهمان‌نوازی به جای می‌آورند. اسکندر که از وضع شهر شگفت‌زده شده از وضعیت شهر می‌پرسد. مردم شهر در پاسخ به اسکندر به توصیف جامعه سعادت‌مند خود می‌پردازند و مزایا و محاسنش را برمی‌شمارند و می‌گویند ما جامعه خود را بر بنیاد راستی و پرهیز از دروغ بنا کرده‌ایم. در ادامه مردم شهر به دیگر ویژگی‌های شهرشان می‌پردازند و می‌گویند در رنج و سختی یار و یاور یکدیگر هستیم و چون به مصیبت گرفتار

و اعتماد، که از زبان اسکندر، اسطوره‌ای از فیلسوف، شاه و پیامبر، بیان می‌شود (نظامی، ۱۳۶۰: ۶۵۵-۶۵۱). داستان این شهر از آنجا شروع می‌شود که اسکندر پس از سفرهای دور و دراز و کشورگشایی‌های بسیار به دیار ناشناخته‌ای می‌رسد که همانند بهشت می‌ماند و در آن رمه‌ها بدون شبان و باغ و بستان بی‌نگهبان رها شده است. در باغ سربازی از سپاه اسکندر به شاخه درختی دست می‌برد تا میوه‌ای بچیند، اما دستش در دم خشک می‌شود و سرباز دیگری که گوسفندی می‌گیرد، دچار تب می‌شود، اسکندر که از ماجرا با خبر می‌شود به سپاهیان فرمان می‌دهد که از

و آن دگر که فخر ملک و ملک را زو ننگ و عار  
و آن دگر شافی و لیکن فاش را ز اضطرار  
وز دگر حافظ بلادالله جهانی تار و مار  
هست مرداران ایشان هم بدیشان واگذار  
گریه کردن پیش مشتی سگ پرست موش خوار  
روزی چند ای ستم کش صبر کردن دندان فشار  
تا ببینی رنگ آن محنت کشان چون گل انار  
هم کنون بینی که از میدان دل عیاروار  
زین سگان آدمی کیمخت وم خر ردم دمار

این یکی که زین دین و کفر را زو رنگ و بوی  
این یکی کافی و لیکن فاش را ز اعتقاد  
زین یکی ناصر عباد الله خلفی ترت و مرت  
پاسبانان تو اند این سگ پرستان همچو سگ  
زشت باشد نقش نفس خوب را از راه طبع  
اندرین زندان برین دندان زنان سگ‌صفت  
تا ببینی روی آن مردم کشان چون زعفران  
گرچه آدم سیرتان سگ‌صفت مستولی‌اند  
جوهر آدم برون تازد برآرد ناگهان

شبکه‌های محله‌ای است که روابط و تعاملات میان افراد صورت پذیرفته و اعتماد شکل می‌یابد. لذا اعتماد در این سطح را می‌بایست به تبعیت از روابط اجتماعی موجود در شبکه‌های اجتماعی (محله) در بالاترین حد ممکن ارزیابی کرد. به‌گونه‌ای که همسایگان راز دار و محرم یکدیگر بوده و حافظ جان و مال و ناموس یکدیگر بوده‌اند.

#### اعتماد در سطح میانه

از جمله مصادیق ادبی که به چرایی و چگونگی شکل‌گیری اعتماد بین مردم، گروه‌ها و قشرهای مختلف می‌پردازد «قصه مرغان» از مجموعه «رساله‌های عرفانی» شیخ اشراق سهروردی است. در داستان، مرغان ابتدا به دام می‌افتند و پس از رهایی و عبور از کوه‌های نه‌گانه به پیشگاه ملک می‌رسند. هنوز بندی بر پای مرغان است که نتوانسته‌اند بردارند. خود ملک هم بند را بر نمی‌دارد، او پس از شنیدن داستان آنها و شرح اسارتشان، رسولی با آنها می‌فرستد تا به آنکه بند بر پای آنها گذاشته است بگوید که بند را بردارد (صادقی، ۱۳۷۷). این داستان نیز بیان هنرمندانه سیر و سلوک معنوی به شیوه‌ای رمز آمیز است. شکل‌گیری اعتماد میان طبیب و بیمار امری لازم است. انسان تا زمانی که به طبیب اعتماد نداشته باشد نمی‌تواند داروی او را قبول کند (که در میانی سرمایه اجتماعی از نوع اعتماد به غریبه‌ها از آن یاد می‌شود). طبیب این مثال نماینده قشر درمانگران است. از دیدگاه شهری، طبیب درمانگر مشکلات شهری است و زمانی

آییم بردباری پیشه سازیم. کسی را که دچار آسیب و زیان شود یاری رسانیم و زیانش را جبران می‌کنیم. همدیگر را برابر می‌دانیم و منزلت اجتماعی یکسانی داریم. سخن چین نیستیم و ... . داستان نظامی فرای رمز و رازهای اخلاقی و پنهان و نهان، تصویری ساده از یک شهر خیالی است که روابط انسان‌ها در آن بر پایه اعتماد شکل گرفته است، نه نگهبانی وجود دارد و نه پلیس. سرمایه اجتماعی مثبت در این شهر در حد بالایی است. البته در این داستان با حذف نهادهای عمومی و نهاد حاکمیت (توجه به شبکه‌های افقی در عوض شبکه‌های عمودی)، شکل‌گیری اعتماد در سطح خرد یعنی در روابط شخصی مشاهده می‌شود. با نگاهی دوباره به داستان، تأکید ویژه ساکنان شهر به راستی و درستی و پرهیز از دروغ و ریا را می‌بینیم، نکته‌ای که با تعریف گیدنز از بی‌اعتمادی که پیش‌تر بدان پرداخته شد، مطابقت دارد. مردم شهر عوامل بی‌اعتمادی را از جامعه حذف کرده‌اند. و در پایان اینکه این روابط اعتماد آمیز آنقدر توانایی دارد که هر فرد غریبه‌ای را نیز تحت تأثیر قرار دهد. به عبارتی دیگر قابلیت تعمیم‌پذیری دارد آن‌چنان که اسکندر در گذر از این شهر به هر جا که پا می‌گذارد به کمک افراد بیچاره می‌پردازد. همچنان که پیش‌تر نیز ذکر آن رفت سطح خرد اعتماد را می‌بایست در قالب روابط شخصی درون‌گروهی و به عبارت دیگر اجتماعات قومی، مذهبی، صنفی و محله‌ای جستجو کرد. به بیان دیگر در

چون آل بویه و هم حکومت‌های مستبد و پرتلاطمی چون سلجوقی و صفوی. در این میان اوضاعی از سامانی و نابسامانی‌های (مانند دوره‌های یورش بیگانگان) متفاوت را شاهد بوده و البته وجه بارز دیگری که از جامعه ایرانی دیده می‌شود جدایی طبقه حاکم از عامه مردم و نوعی ارتباط عمودی میان این طبقات است. ارتباطی که از آن می‌توان به ارتباط فرودست با فرادست نام برد. ارتباطی که گمان می‌رود منشاء انواع مداحی‌ها و چاپلوسی‌هاست (چه از روی ناچاری از ترس جان و مال، چه از روی زیرکی برای کسب جاه و مقام). محسنیان‌راد به نقل از لیتتون در تحلیل محتوای اشعار ارتباطی ۴۳ اندیشمند نظم نویس ایرانی طی ۱۱ قرن و مجموعه‌ای از ضرب‌المثل‌های فارسی، به این نتیجه می‌رسد که نخبگان ایرانی در اثر فشار شرایط حاکم در دوره‌های نابسامانی و ماندگاری استبداد ایرانی ابتدا مجبور به مداحی فرادستان شدند، سپس در اثر تحولات بعدی به سکوت روی آورده‌اند (محسنیان راد، ۱۳۸۶: ۱۵۳). برای روشن‌تر شدن این موضوع به سفرنامه ابن بطوطه و بازدید وی از ایران اشاره می‌شود.

"روز بار عام سلطان ( قاجاری) پیش او می‌رفتیم سلام می‌دادیم، سلام دادن چنین است که باید انگشت سبابه خود را بر زمین نهاده و سپس همان انگشت را بلند کرده تا سر خود برده و بگوییم: خداوند عزت تو را زیاد گرداند و در مورد دیگری به رسم سلام دادن به شیخ در شیراز اشاره می‌کند که فرد هنگام سلام دادن گوش خود را گرفته و بر پای او بوسه می‌زد و گوش به دست می‌نشست" (علی نصیب، ۱۳۸۲: ۲۶۸). از مهم‌ترین شاعرانی که در مدح و ثنای سلاطین شعر سروده‌اند می‌توان رودکی، دقیقی، کسمایی مروزی را نام برد که اکثراً شاعرانی درباری بوده‌اند، اما شاعران دیگری نیز بوده‌اند که درباری نبوده اما به دلایلی موجه و به اقتضای زمان حال از شاهان و امیران به نیکی یاد کرده‌اند نظیر فردوسی، نظامی، سعدی و حافظ (مؤتمن، ۱۳۶۴: ۸۰).

ابیات زیر نمونه‌هایی از مدیحه‌سرایی‌هایی است که در وصف سلاطین سروده شده است :

فرخی سیستانی در دعای به سلطان محمود غزنوی (فرخی سیستانی، ۱۳۸۵: ۶۷) :

چندان که جهانست ملک شاه جهان باد  
با دولت پاینده و با بخت جوان باد  
تا بود ملک شهرده و شهرستان بود  
همواره چنان شهرده و شهرستان باد  
چونان که ازو عالمی از بد به امانند  
جان و تن او از همه بدها به امان باد  
شاهان جهان را ز نهییش تن و جان نیست  
جان و تن شاهانش فدای تن و جان باد

دارویش برای معضلات شهری مؤثر است که اعتماد مردمی را برای مشارکت جلب کند. اعتماد میان فرد و اقشار مختلف نشان‌دهنده سطح میانی اعتماد است.

باید توجه داشت این سطح از اعتماد تأثیر بسیار مهمی بر روابط و تعاملات اجتماعی داشته و توانایی تنظیم‌کنندگی ارتباطات و مناسبات اجتماعی را دارد. در کشور ما این نوع اعتماد دارای قدمت و اهمیت بسیار بالایی است. از آنجا که این سطح از اعتماد در صورت ضعف و ناتوانی سطح کلان، قابلیت جایگزینی آن (به جای اعتماد به حکومت) را دارد، در دیگر کشورها سازمان‌های مردم‌نهاد و غیر دولتی (NGO) رابط میان دولت و مردم بوده و موجبات انسجام و تقویت تعهدات اجتماعی را فراهم می‌آورند.

با نگاهی گذرا به ادبیات کهن این‌گونه برداشت می‌شود که نگاه ادبا به صاحبان پاره‌ای از نقش‌های اجتماعی بیشتر از موضع طعنه، انتقاد و موعظه است. از شاعران پارسی گوی کمتر کسی را می‌شناسیم که به قاضی، محتسب، صوفی، فقیه، واعظ و زاهد طعنه‌ای نزده باشد یا آنان را به سبب رفتارهای ناصواب به باد سرزنش نگرفته باشد (وحید، ۱۳۸۱: ۳). سنایی با دیدی ژرف به بهترین وجه این تأثیرات را در شعر خود نشان داده است که ناشی از انتقاد از وضع موجود جامعه زمان وی و شرایط حکومت است. شفیع کدکنی قصاید انتقادی سنایی را "نقد جامعه" می‌نامد. چیزی که امروزه می‌توان از آن به عنوان نظارت اجتماعی نام برد. حس مسئولیت اجتماعی شهروندان نسبت به مسئولین و دیگر اقشار جامعه پایه ساز اعتماد و افزایش دهنده سرمایه اجتماعی است.

در قصیده زیر سنایی به مذمت علما و فقهای پرنفوذ و قدرتمند اما جاه‌طلب و ریاکاری می‌پردازد که توجیه‌گر ظلم ظالمان هستند (سنایی، ۱۳۹۱: ۲۸۲).

در عرصه شهری نیز همچنان که از ابیات فوق برمی‌آید اعتماد میان گروه‌ها، اقوام، مذاهب و محلات مختلف همچون روابط میان ایشان در سطح پایینی قرار داشته و عمدتاً بر پایه طعنه و مدارا بوده است. وجود محلات در نزاع و نیز محدود کردن حقوق اقلیت‌های مذهبی آن‌چنان که به عنوان مثال درباره محله جوباره در شهر اصفهان شاهد هستیم (تحویلدار، ۱۳۸۸) خود گواهی بر این عدم اعتماد میان گروه‌های اجتماعی مختلف است. با این وجود اصناف بازار را می‌توان نمونه‌ای از نهادها دانست که به عنوان حلقه ارتباطی میان گروه‌های مختلف و نیز مردم و حکام از جایگاه والایی در میان مردم برخوردار بوده‌اند. بر این اساس با وجود عدم اعتماد در میان مردم در گروه‌های مختلف، برخورداری اصناف و نهادهای مردمی واسط میان مردم و حکومت از اعتماد مردمی را می‌بایست از ویژگی‌های جامعه سنتی ایران به شمار آورد.

### اعتماد در سطح کلان

از ویژگی‌های بارز جامعه ایرانی این است که دوره‌های مختلفی از حکام متفاوت را تجربه کرده است؛ هم حکومت‌های آزاداندیشی

و یامنوچهری در مدح سلطان محمود غزنوی (منوچهری، ۱۳۳۸: ۱۵۶):

خوی تو همی گردد و خویی که نگردد  
خوی ملک پیلتن شیر شکارست  
مسعود ملک آنکه به جنب هنر او  
اندرملکان هر چه هنر بود عوارست  
آن ملکستانی که هر آن ملک که بستاند  
کو تیغ بدو تیز کند ملکسپارست  
در لشکر اسکندر از اسب نبودی  
چندان که در این لشکر از پیل قطارست  
ده پانزده من بیش نبذ گرز فریدون  
هفتاد منی گرز شه شیر شکارست  
از چوب بدی تخت سلیمان پیمبر  
وین تخت شه مشرق از زر عیارست

لذا همان طور که اشاره شد فارغ از مدح‌هایی که به فراخور اوضاع از سوی شاعران به عنوان نخبگان جامعه در وصف حکام سروده شده است، جدایی طبقه حاکم از مردم یکی از وجوه بارز جامعه ایرانی بوده است که ریشه در نظام کاستی و طبقاتی موجود و نیز شرایط اقلیمی داشته است. این نگاه طبقاتی و سلسله مراتبی همچنین

### نتیجه‌گیری

امروزه دیگر اهمیت و ارزش‌های دستیابی به سرمایه اجتماعی در یک جامعه بر کسی پوشیده نیست. دستاوردهایی که از مشارکت و همیاری، حس مسئولیت اجتماعی و اعتماد عمومی به دست می‌آید راه‌های پیشرفت جامعه را هموار می‌سازد. در نیل به این هدف بازگشت به گذشته و بررسی ریشه‌ها و زمینه‌ها می‌تواند راهگشای بسترها و توانایی‌های امروز برای عبور از نقاط ضعف و نیل به اجتماعی پایدار باشد. امری که در این نوشتار سعی شده تا از رهگذر ادبیات که نمودی واضح و مبرهن از ویژگی‌های جامعه است صورت پذیرد. در واقع همواره بخشی از ادبیات به اجتماعات اختصاص دارد، چه آنجا که ادیب در مقام شاعر به وصف آرمانشهر خویش پرداخته و چه آنجا که از رهگذر حکایت به نقد جامعه خویش مبادرت می‌ورزد. بر همین اساس بررسی مؤلفه‌های سه‌گانه سرمایه اجتماعی مشتمل بر شبکه، هنجارهای همیاری و اعتماد در متون کهن ادب فارسی هر یک زوایایی از روابط و پیوندهای ایرانیان را در جامعه شهری آن زمان آشکار می‌سازد. مطالعات این نوشتار حکایت از آن دارد که سرمایه اجتماعی ایرانیان بر پایه پیوندهای افقی و از نوع درون‌گروهی بوده و مهم‌ترین تجلی شبکه‌های موجود در جامعه سنتی ایران را می‌بایست در نظام محلات شهر ایرانی جستجو کرد. در واقع نظام محله‌بندی که توأمان دربرگیرنده و تعریف‌کننده اجتماع علایق (همچون نژاد، مذهب، پیشه) و اجتماع مکانی است را می‌باید مهم‌ترین مصداق عینی پیوندهای درون‌گروهی و تضاد برون‌گروهی میان مردم دانست که براساس آن در حالی که پیوندهای عاطفی مردم در درون هر یک از کاست‌ها و طبقات (شبکه‌های افقی) از سطح بالایی برخوردار است ارتباط میان طبقات مختلف با یکدیگر و یا در سطحی فراتر با طبقات فرادست و حکومت (شبکه‌های آوندی) ضعیف و شکننده است و لذا در شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی، ارتباطات افقی بسیار قوی‌تر از ارتباطات عمودی (آوندی) بوده است. به عبارت دیگر برخلاف جوامع غربی که تعاملات میان شهروندان عمدتاً به صورت میان‌گروهی، در مقیاس شهر و در فضاهای شهری صورت می‌پذیرفته است، سرمایه اجتماعی ایرانیان را باید مبتنی بر سطح خرد دانست.

همچنین نتایج پژوهش حاضر با تأیید فرضیه پوتنام مبنی بر تأثیرپذیری هنجارهای همیاری و اعتماد از شبکه‌های اجتماعی بیانگر نقش پیوندهای درون‌محلی بر هنجارهای همیاری و اعتماد است. به عبارت دیگر در حالی که پیوندهای درون‌محلی ایرانیان، هنجارهای همیاری و اعتماد را در سطح محلات تقویت می‌بخشیده، در سطح کلان تضعیف‌گر این عوامل بوده است. بر این اساس در حالی که به تبعیت از روابط اجتماعی درون‌گروهی، هنجارهای همیاری (در دو سطح خرد و میانه) و اعتماد در سطح خرد از بالاترین میزان خود برخوردار بوده، اعتماد میان گروه‌ها، اقوام، مذاهب و محلات مختلف همچون روابط میان ایشان در سطحی پایین و بر پایه طعنه و مدارا قرار داشته است. با این وجود هرگاه شبکه‌های اجتماعی دیگر همچون اصناف گروه‌های قومی، محلی، مذهبی را گرد هم می‌آورده به پیروی از روابط درون

از مشخصه‌های بارز آرمانشهر فارابی است. که فلامکی از آن به عنوان هرم اجتماعی - فضایی نام برده است. «مقام‌ها در مدینه فاضله رده‌بندی می‌شوند و هر مقامی را مرتبتی است ویژه، هر یک از شهروندان که در لحظه‌ای معین از مسیر متحول جامعه شهری، در مقام یا موضعی معین قرار می‌گیرد، با افرادی مرتبط خواهد بود که یا بر وی مقدم‌اند، یا هم‌تراز وی‌اند و یا پس از وی در مرتبتی پایین‌تر قرار دارند» (فلامکی، ۱۳۸۵: ۲۲۹). وجود نظام طبقاتی در آرمانشهر فارابی و شکل‌گیری سرمایه‌های اجتماعی در یک رابطه طولی واضح است.

لازم به ذکر است، در آرمانشهر فارابی انسان‌ها می‌توانند به میل خود در جهت تصاعدی و برای جایگزین شدن در مرتبه بالاتر قرار گیرند و این "جای انسان‌هاست که ثابت است نه خود آنها" (فلامکی، ۱۳۸۵: ۲۱۴). به عبارت دیگر فارابی رسیدن به منتها درجه کمال (نزدیک شدن به خدا - قرارگیری در مقام رئیس نخست) را برای انسان از طریق آرمانشهرش خواستار است. البته، فارابی از دیدی خاص به روابط موجود میان مردم و نظام مستولی بر فضای اجتماعی نگاه می‌کند و قصد اصلی‌اش تأیید عدم تعرض، به صورت بلاشروط، میان مردم است (فلامکی، ۱۳۸۵: ۲۰۶) که می‌توان آن را اعتماد شکل یافته میان طبقات دانست.

صنفاها اعتماد میان گروه‌های مختلف (سطح میانی) تقویت می‌شده است. به بیان دیگر اصناف بازار را می‌توان نمونه‌ای از نهادها یا سازمان‌های مردم‌نهاد دانست که به عنوان حلقه ارتباطی میان گروه‌های مختلف و نیز مردم و حکام می‌تواند تقویت بخش سرمایه اجتماعی در سطوح مختلف باشد. در سطح کلان نیز که دربردارنده شبکه‌های اجتماعی رسمی (ارتباط آوندی میان مردم و طبقه حاکم) است اعتماد در پایین‌ترین سطح واقع است.

### پی‌نوشت‌ها

۱. Linda Groat
۲. Social Energy
۳. Community Sprit
۴. Social Bonds
۵. Community Life
۶. Social Glue
۷. Lyda Judson Hanifan
۸. James Samuel Coleman
۹. Pierre Bourdieu
۱۰. Robert Putnam
۱۱. Jane Jacobs
۱۲. Capital
۱۳. Social
۱۴. Alexis de Tocqueville
۱۵. Resorce- based
۱۶. BondingSocial Capital
۱۷. Bridging Social Capital
۱۸. Linkig Social Capital
۱۹. Pamela Paxton
۲۰. Regina Berger-Schmitt
۲۱. ضرب‌المثل «کبوتر با کبوتر باز با باز، کند هم‌جنس با هم‌جنس پرواز» نیز نمونه‌ای از بازتاب این شرایط در ادبیات روزمره است.
۲۲. همچنین مولانا در دفتر سوم خویش می‌گوید (مولانا، ۱۳۸۰: ۲۸۹): ده مرو ده مرد را احق کند- عقل را بی‌نور و بی‌رونق کند.

### فهرست منابع

- اصلیل، حجت‌الله. ۱۳۸۵. داستان شهر زیبایی، روایتی از آرمانشهر نظامی گنجوی. فصلنامه جستارهای شهرسازی، (۱۷ و ۱۸): ۱۱۹-۱۱۸.
- الوانی، سید مهدی و تقوی، میر علی. ۱۳۸۱. سرمایه اجتماعی: مفاهیم و نظریه‌ها. مطالعات مدیریت، (۳۳ و ۳۴): ۳-۲۶.
- الوانی، سید مهدی و شیروانی، علیرضا. ۱۳۸۷. سرمایه اجتماعی مفاهیم و نظریه‌ها. اصفهان: انتشارات مانی.
- ایمانی جاجرمی، حسین. ۱۳۸۰. سرمایه اجتماعی و مدیریت شهری. فصلنامه مدیریت شهری، (۷): ۳۴-۴۵.
- بهزادفر، مصطفی، هاشم‌نژاد، هاشم و سیدیان، علی. ۱۳۸۸. انکشاف صور آرمانشهر مولانا در معاصر سازی بافت‌های فرسوده شهری، مجله طرح و نماد، (۱): ۲۳-۱.
- پیران، پرویز، الف. ۱۳۸۵. بررسی مسایل اجتماعی ایران. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- پیران، پرویز، ب. ۱۳۸۵. کارپایه مفهومی و مفهوم‌سازی سرمایه اجتماعی با تأکید بر شرایط ایران. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، (۳۳): ۹-۴۴.
- تحویلدار، حسین بن محمد ابراهیم. ۱۳۸۸. جغرافیای اصفهان: جغرافیای طبیعی و انسانی و آمار اصناف شهر. به اهتمام الهه تیرا. تهران: انتشارات اختران.
- توسلی، غلام‌عباس و موسوی، مرضیه. ۱۳۸۴. مفهوم سرمایه در نظریات کلاسیک و جدید با تأکید بر نظریه‌های سرمایه اجتماعی، فصلنامه علوم اجتماعی، ۱۱ (۲۶): ۳۲-۱.
- جعفری، زینب. ۱۳۸۵. انسان و مسئولیت‌پذیری، مجله طوبی، (۴): ۳۹-۲۲.
- جیکوبز، جین. ۱۳۸۶. مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکا. ت: حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطونی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حافظ. ۱۳۸۸. دیوان حافظ شیرازی، چاپ چهارم. تهران: انتشارات مرز فکر.
- حیدری، داوود. ۱۳۸۴. مروری بر ادبیات موضوع سرمایه اجتماعی. مجله رشد علوم اجتماعی، (۲): ۲۶-۱۷.
- زین‌آبادی، مرتضی. ۱۳۸۷. بررسی وضعیت اعتماد در جامعه ایران و راه‌های بازسازی آن، پژوهشنامه پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، (۱۶): ۳۳-۶۶.
- سعدی. ۱۳۷۵. گلستان با مقابله نسخه تصحیح شده مرحوم استاد محمدعلی فروغی. تهران: انتشارات علمی.
- سنایی غزنوی. ۱۳۹۱. دیوان حکیم سنایی غزنوی. به اهتمام و کوشش پرویز بابایی. تهران: انتشارات نگاه.
- شجاعی باغینی، محمد مهدی. ۱۳۸۸. مبانی مفهومی سرمایه اجتماعی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- شریفیان‌ثانی، مریم. ۱۳۸۰. سرمایه اجتماعی مفاهیم و چارچوب نظری. فصلنامه رفاه اجتماعی، (۲۵): ۱۸-۵.
- عباس‌زاده، هادی و کرمی، کامران. ۱۳۹۰. سرمایه اجتماعی و امنیت ملی پایدار. فصلنامه مطالعات راهبردی، (۵۱): ۵۸-۳۱.
- علی نصیب، سید امید. ۱۳۸۲. سفرنامه ابن بطوطه به روایت مردم‌شناسی. کاوش نامه، (۵۶): ۲۷۸-۲۵۹.
- عمید، حسن. ۱۳۶۹. فرهنگ عمید. چاپ سوم. تهران: امیرکبیر.
- غفاری، غلامرضا. ۱۳۸۳. اعتماد اجتماعی در ایران. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- فردوسی، ابوالقاسم. ۱۳۹۰. شاهنامه فردوسی. چاپ اول. تهران: نشر کومه.
- فرخی سیستانی. ۱۳۸۵. دیوان حکیم فرخی سیستانی. به کوشش دکتر محمد دبیرسیاقی. تهران: انتشارات زوار.
- فلامکی، محمد منصور. ۱۳۸۵. فارابی و سیر شهروندی در ایران. تهران: نشر فضا.
- فوکویاما، فرانسیس. ۱۳۷۹. پایان نظم، سرمایه اجتماعی و حفظ آن. ت: غلامعباس توسلی. تهران: نشر جهان افروز.
- فیروزآبادی، سیداحمد و ایمانی جاجرمی، حسین. ۱۳۸۵. سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی - اجتماعی در کلان شهر تهران. فصلنامه رفاه اجتماعی، (۳۳): ۱۹۷-۲۲۴.
- فیلد، جان. ۱۳۸۶. سرمایه اجتماعی. ت: جلال متقی. تهران: موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- کاووسی، اسماعیل و کیاسی، حمیرا. ۱۳۸۸. بررسی نقش و سرمایه اجتماعی در توسعه کارآفرینی. پژوهشنامه مدیریت و سرمایه اجتماعی، (۴۰): ۷۷-۴۹.
- کلمن، جیمز. ۱۳۷۸. بنیادهای نظری اجتماعی. ت: منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- گروت، لیندا و وانگ، دیوید. ۱۳۹۰. روشهای تحقیق در معماری. ت: علیرضا عینی فر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- گودرزی، مرتضی. ۱۳۸۸. آیین خيال، بررسی و تحلیل تزئینات معماری دوره قاجار. تهران: نشر سوره مهر.
- محسنیان راد، مهدی. ۱۳۸۶. هنجارهای ارتباطی در ضرب المثلها و یازده قرن اشعار فارسی، مجله جامعه‌شناسی ایران، ۸ (۳): ۱۷۹-۱۵۳.
- مدرس صادقی، جعفر. ۱۳۷۷. قصه‌های شیخ اشراق. تهران: نشر مرکز.
- منوچهری دامغانی. ۱۳۳۸. دیوان استاد منوچهری دامغانی. به کوشش محمد دبیرسیاقی. تهران: انتشارات زوار.
- مؤتمن، زین‌العابدین. ۱۳۶۴. شعر و ادب پارسی. تهران: نشر زرین.
- موسوی، سید احمد. ۱۳۸۵. برنامه‌ریزی توسعه محله‌ای با تأکید بر سرمایه اجتماعی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- موسوی، میرطاهر. ۱۳۸۵. مشارکت اجتماعی یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، (۳۳): ۹۲-۶۷.
- مولانا جلال‌الدین محمد بلخی. ۱۳۸۰. مثنوی معنوی براساس نسخه رینولد نیکلسون. تهران: انتشارات محسن.
- نظامی گنجوی. ۱۳۶۰. خمسه نظامی. به کوشش محسن رضانی. قم: انتشارات پدیده.
- نوریان، سیدمهدی؛ طغیانی، اسحاق و حاتمی، سعید. ۱۳۸۴. جامعه‌شناسی موضوعی آثار سنایی. کاوش نامه، (۱۰): ۷۱-۶۹.
- وحید، فریدون. ۱۳۸۱. نقش‌ها و هنجارهای اجتماعی در دیوان حافظ، نگرش جامعه‌شناختی. مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی)، ۱۳ (۱): ۱-۱۴.

- Tavassoli, GH. & Musavi, M. (2005). Mafhoom- e Sarmaye dar Nazariate Kelassik va Jadid ba Takid bar Nazariehay-e Sarmaye Ejtemyi [The concept of investment in classical theories and new theories of social capital with emphasis on social capital theories]. *Journal of social science*, (26): 1-32.
- Tahvildar, H. (2009). *Joghrafiya -ye Isfahan: Joghrafiaye Tabiyyi va Ensani va Amare Asnaf-e Shahr* [Isfahan Geography: Natural and human Geography and City of Guilds statistics]. Tehran: Akhtaran.
- Twigger-Ross CL, Uzzell DL. (1996). Place and identity processes. *Journal of Environ Psychol*, (16): 205-220.
- Vahida, F. (2002). Roles and social norms in Divan-e Hafez, Sociological perspective. *Journal of Isfahan University (Humanities)*, 13 (1): 1-14.
- Walters, W. (2002). Social Capital and Political Sociology: Re-imagining Politics?, *Sociology-the Journal of The British Sociological Association*, (36): 377-397.
- Woolcock, M. (2001). the place of social capital in understanding social and economic outcomes. *ISUMA Canadian Journal of Policy Research*, 2 (1): 11-17.
- Zein abadi, M. (2008). Barresi- ye Vaziat- e Etamad dar Jamy`eye Iran va Rahhaye Bazasazi An [The study of trust in iranian society and the ways that reconstruction it]. *Journal of Research Institute for Strategic Studies Expediency Council*, (16): 33-36.

- to, dependence on, and identification with lakeshore properties. *Journal of Environ Manage*, (79): 316-327.
- Kavousi, E. & Kiasi, H. (2009). Barresi- ye Naghsh va sarmaye Ejtemayi dar Toseye Karafarini [Study the role of social capital in the development of entrepreneurship]. *Journal of Management and Social Capital*, (40): 49-77.
  - Lewicka, M. (2010). What makes neighborhood different from home and city? Effects of place scale on place attachment. *Journal of Environmental Psychology*, (30): 35-51.
  - Li, Y., Savage, M. and Andrew Pickles (2003). Social Capital and Social Exclusion in England and Wales, 1972-1999. *British Journal of Sociology*, (54): 497-526.
  - Li, Y., Pickles, A. & Mike Savage. Social Capital and Social Trust in Berlin. *European Sociological Review*, 21 (2): 109-123.
  - Lin, N. (2001). *Social Capital*. Cambridge: Cambridge University Press .
  - Low, S. & Altman, L. (1992). Place attachment: A conceptual inquiry. In I. Altman & S. Low (Eds.), *Place attachment*. New York: Plenum Press.
  - Manouchehry damghany. (1959). *Divan- e Manouchehry Damghany* [Manouchehry Damghany Books of Poem]. Editor mohammad dabir siyaghy. Tehran: zavar.
  - Modarres Sadeghi, J. (1996). *Gheseha- ye Sheykh- e Eshraq* [Stories of Sheikh-i Eshraq]. Tehran: Nashr- e markaz.
  - Mohsenian rad, M. (2007). Hanjarha- ye Ertebati dar Zarbolmasalha va Yazadah Gharn Ashar- e Farsi [Eleven-century Persian poems, proverbs and communication norms]. *Journal of Sociology*, (3): 135-179.
  - Molana Jaleleddin Mohammad Balkhi, (2001). *Masnavi Manavi Based on Reynold A. Nicholson Version*. Tehran: Mohsen.
  - Motmen. Z. (1985). *Sher va Adabe Parsi* [Persian literature and poetry]. Tehran: Zarin.
  - Musavi, M. (2006). Community participation is one of the components of social capital. *Journal of Social Welfare*, (23): 67-92.
  - Musavi, S. (2006). *Community development planning with an emphasis on social capital*. Urban and Regional Planning Master's thesis. Tehran: Tarbiat Modarres University.
  - Nahapiet, J. & Ghoshal, S. (1998). Social capital, intellectual capital and the organizational advantage. *Academy of management review*, 23 (2): 242-260.
  - Nezami ganjavi. (1981). *Khamse Nezami*. Editor Mohsen rezaee. Qom: Padideh.
  - Noorian, S., Toghiani, E. & Hatami, S. (2005). Sociology topic of Sanaee work. *Journal of Kavosh Name*, (10): 69-71.
  - Onyx, J. & Bullen, P. (2000). Measuring Social Capital in Five Communities. *Journal of Applied Behavioral Science*, (36): 23-28.
  - Oxford university. (2007). *Oxford Learners Dictionary*. Oxford: Oxford University.
  - Paxton, P. (1999). Is Social Capital Declining in the United States? A Multiple Indicator Assessment. *American Journal of Sociology*, (105): 88-127.
  - Pennar, K. (1997). The Ties that Lead to Prosperity. *Business Week*, (15): 153-155.
  - Piran, P. (2006). *Barresi- ye masaele ejtemaae- ye Iran* [Study of Iran Social Problems]. Tehran: Payam noor university.
  - Piran, P., Musavi, M. & Sheibani, M. (2006). Karpaye- ye mafhoomi va mafhoumsazi-e sarmaye- ye ejtemaae ba takid bar sharayet- e Iran [Basis concept and Conceptualization of social capital, with emphasis on the situation in Iran]. *Journal of Refah- Ejtemai*, (23): 9-44.
  - Putnam, R. (1993). *Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy*. Princenton: Princenton University Press.
  - Putnam, R. (1995). Tuning in, tuning out. The strange disappearance of social capital in America. *Political science and politics*, (28): 664-683.
  - Putnam, R. (1996). The Strange Disappearance of Civic America. *American Prospect* (24): 34-48.
  - Putnam, R. (2000). *Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community*. New York: Touchstone Books by Simon & Schuster Publisher.
  - Brehm, J. & Rahn, W. (1997). Individual Level Evidence for the Causes and Conse-quences of Social Capital. *American Journal of Political Science*, (41): 888-1023.
  - Saadi. (1996). *Golestan-e Saadi* [Saadi books of poem and fables]. Editor Mohammad Ali Foroghi. Tehran: Scientific publishing.
  - Sanaee qaznavi, (2012). *Divan- e Sanaee Qaznavi* [Sanaee Qaznavi books of poem]. Editor: parvize babaae. Tehran: Negah publishing.
  - Sharifian Saani, M. (2001). Sarmaye Ejtemayi, Mafahim va Charchoob [Social capital, concepts and theoretical framework]. *Journal of social welfare*, (25): 5-18.
  - Shojaee Baghini, M. (2009). *Mabani Mafhoomi Sarmaye Ejtemai* [Foundations of Social Capital]. Tehran: Institute of Social and Cultural Studies.
  - Stedman, R.C. (2003). Is it really just a social construction?: The contribution of the physical environment to sense of place. *Society and Natural Resources*, 16 (8): 671-685.
  - Smith, Kyle M. (2011). *The Relationship between Residential Satisfaction, Sense of Community, Sense of Belonging and Sense of Place in a Western Australian Urban Planned Community*. Ph. D. Thesis in pshychology. Australia: Edith Cowan University.



## Reference list

- Abbas Zade, H. & Karami, K. (2011). Sarmaye Ejtemayi va Amniate Melli Paydar [Social capital and sustainable national security]. *Journal of Strategic Studies*, (51): 31-58.
- Adler, P. & Kwon, S. (2000). *Social Capital: The Good, The Bad and the Ugly*. Boston: Butterworth-Heinemann Press.
- Ali Nasib, S. O. (2003). Safarnameh Ebn- e Batoteh be Revayate Mardom Shenasi [Itinerary of Ebn-e Batoteh base on narrative anthropology]. *Kavosh nameh*, (5&6): 259-278.
- Alvani, S. & Naghavi, M. (2002). Sarmaye Ejtemaee: Mafahim va Nazarieha [Social capital: Concepts and Theories]. *Journal of management studies*, (33-34): 3-26.
- Alvani, S. & Shirvani, A. (2008). *Sarmaye Ejtemaee: Mafahim va Nazarieha* [Social capital, Concepts and Theories]. Isfahan: Maani Press.
- Amid, H. (1990). *Farhange Amid* [Dictionary of Amid]. Tehran: Amirkabir.
- Arneil, B. (2006). *Diverse Communities The Problem with Social Capital*. Cambridge: Cambridge University press.
- Asil, H. (2006). Dastan- e shahr- e zibae, revayati az armanshahr- e Nezami- e ganjavi [The story of city beauty, the narrative of Utopia Nezami Ganjavi]. *Journal of Jostarhaye shahrsazi*, (17-18): 118-119.
- Behzadfar, M., Hashemnejhad, H. & Seyedian, A. (2009). Enkeshaf- e sovar- e armanshahr- e molana dar moasersazi- e bafthaye farsoude- e shahri [Detection of forms of Rumi utopia in contemporary of urban decay texture]. *Tarh v Namad magazine*, (1): 1-23.
- Bonaiuto, M., et al. (1999). Multidimensional Environment quality and neighbourhood attachment. *Urban Environment*, (19): 331-352.
- Bourdieu, P. (1972). *Outline of a theory of practice*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Bourdieu, P. (1993). *Sociology in Question*. London: UK sage.
- Chawla, L. (1992). Childhood place attachments. In I. Altman & S. Low (Eds.), *Place attachment*. New York: Plenum Press.
- Chiras, D. & Wann, D. (2003). *Superbia!*. Gabriola Island: New Society Publishers.
- Cohen, D. & Prusak, L. (2001). *In good company: how social capital make organizations work*. Cambridge: Harward Press.
- Coleman, J. S. (1999). *Theoretical foundations of social*. Tehran: Ney.
- Edwards, R. (2004). Present and absent in troubling ways: families and social capital debates. *The Sociological Review*, (52): 1-21.
- Falamaki, M. (2006). *Farabi va Seyr- e shahrvandi dar Iran* [Farabi and the citizenship process in Iran]. Tehran: Faza scientific and cultural institute.
- Farokhi sistany. (2006). *Divan- e Farokhi Sistany* [Farokhi Sistany books of poem]. Editor mohammad dabir siyaghy. Tehran. Zavar publishing.
- Ferdosi, A. (2011). *Shahnameh- e Ferdosi* [Ferdosi books of poem]. Tehran: Komeh publishing.
- Field, J. (2007). *Social capital*. Tehran: Tamin ejyemae Research Institute.
- Firouzabadi, S. & Imani jajarmi, H. (2006). Sarmaye Ejtemayi va Tose- ye Eghtesadi- Ejtemayi dar Kalan Shahr- e Tehran [Social capital and economic-social development in Tehran]. *Journal of Social Welfare*, (23): 197-227.
- Fried, M. (1963). Grieving for a lost home. In L. J. Duhl. *The Urban Condition: People and Policy in the Metropolis*. New York: Simon and Schuster.
- Fukuyama, F. (1995). Social Capital and the Global Economy. *Foreign Affairs*, (74): 89-103.
- Fukuyama, F. (2000). *End of order, Social capital and Keep it*. Tehran: Jahan Afrooz.
- Ghafari, GH. (2004). *Etemad- e Ejtemayi dar Iran* [Social trust in Iran]. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance Publishing.
- Goodarzi, M. (2009). *Ayene Khial, Barresi va Tahlil-e Tzyinat-e Memari-e Doreye Ghajar* [Mirror of Imaginagion, Analysis of architectural decoration of the Qajar period]. Tehran: Soore- ye Mehr.
- Groat, N., Linda, W. D. (2012). *Architectural Research Methods*. Tehran: Tehran university of Tehran.
- Hafez. (2009). *Divan Hafez shirazi* [Hafez shirazi books of poem]. Tehran: Marz- e Fekr.
- Hanifan, L. J. (1916). The rural school community center. *Annals of the American Academy of Political and Social Science*, (67): 130-138.
- Heidari, D. (2005). Moroori ba Adabiat- e Mozu- e Sarma- ye Ejtemayi [A review of the literature of social capital]. *Journal of Roshde Amouzesesh oloum ejtemaee*, (2): 17-26.
- Hidalgo, M. C., Hernandez, B. Place attachment: conceptual and empirical questions. *Journal of Environ Psychol*, (21): 273-281.
- Imani jajarmi, H. (2001). Sarma- ye ejtemaee va modiriat- e shahri [Social capital and urban management]. *Journal of Urban management*, (7): 34-45.
- Jacobs, J. (1961). *The death and life of great American cities*. Tehran: University of Tehran.
- Jafari, Z. (2006). Ensan va Masouliat Paziri [Man and accountability]. *Journal of Tooba*, (4): 22-39.
- Jorgensen, B. S., Stedman, R. C. (2006). A comparative analysis of predictors of sense of place dimensions: attachment

## Assessment of Social Capital's Dimensions in Iranian Cities through Old Persian Literature Text

Mohsen Honarvar\*  
Reza Pasion Khamri\*\*  
Mohadeseh Taravat\*\*\*

### Abstract

Human beings are inherently in relation and interaction with each other. In fact, these interactions make them able to satisfy their needs. The set of these actions (social interaction, neighborhood ties, participation and so many other concepts) that are gathered under social capital concept, are among most important concerns of urban designers, planners and managers which has a significant role in creating a sense of place, place affiliation, residential satisfaction, place identity and other place qualities. This importance of the issue has led many of researchers and theorists to introduce place as a social phenomenon by linking place meanings with lived experiences. So, if we consider the enforcement of these social factors, called in this paper as social capital, as one of the urban plans' goal, looking at the past of Iranian society would reveal many positive and negative points of Iranian social relationship for social neighboring, civic participation and collective life which help contemporary society to achieve their goals. Therefore the current research aim in assessment of social capital dimension in Old Iranian society has scrutinized Old Persian literature as a mirror of culture and life of ancestors. In other words it seems that literature as a written heritage of the past and the brightest of each nation worldview can play a significant role in discovering and understanding people social actions and particularly social capital dimensions. Old Persian literature such as other languages literature contains rich treasures of anecdotes, fables, allegories and Proverbs that not only express philosophical and Theosophical views among people but also discovers invisible points of social capital in people's social relationship. In fact, a part of literature belongs always to social issues and reveals myths and secrets in people ties. So the current study aims to analyze social relationship tradition in Iranian society and it has assessed triple Dimensions of social capital in Old Persian literature text by reviewing social capital's definition. Therefore in a qualitative system of inquiry, based on historical- interpretive approach by using content analysis, this essay tries to study three dimensions of social Capital in literature books such as Khamse Nezami, Masnavi Manavi and Gholestane Saadi. The result of this paper shows that Iranian social capital is based on bonding ties and neighborhoods as a significant expression of social networks and the most determinative and predictive factor of social interaction, norms, trust in urban life of Iranian society. In fact system of neighborhoods includes community of interests (such as race, religion, occupation) and community of place which is the most important evidence of intergroup bonds and intragroup conflicts. Therefore while affective bonds inside each class or neighborhood are strong, the relation between different class and neighborhood or between people and upper class (such as government) is too weak. In other word despite western societies in which the relationships between citizens are among different groups, in urban spaces and in city scale, Iranian interactions were occurred within a group and in neighborhood scale, so that Bonding Networks are more powerful than Bridging Network in Social Networks. Furthermore, although Collaboration Norms and Trust in micro and middle level are desirable but Trust in macro level and Bonding Networks are not. It seems that People Participation in management of Public space and prioritization of NGOs as an interface of public and governmental sphere can have significant role in improving Bridging Social Capital.

### Keywords

Old Persian Literature, Social Capital, Social Network, Trust, Norms.

\*. M.A. in Urban Design, Department of urbanism, Payam Noor University, Tehran, Iran. urb.honarvar@gmail.com

\*\*.. PhD Candidate in Urbanism, Department of urbanism, Payam Noor University, Tehran, Iran, rezapasion@gmail.com

\*\*\*. M.A. in Urban Design, Art University of Isfahan, mohade3.taravat@yahoo.com